

فرا تحلیل مطالعات هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه، به منظور کاربست در تنظیم نظام‌نامه تدوین برنامه هفتم توسعه

مرتضی مهرعلی تبار فیروزجایی *

غلامرضا گرائی‌نژاد**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵

چکیده

مسئله اصلی پژوهش حاضر، ناظر بر یکی از مهم‌ترین گام‌های تدوین برنامه توسعه است که از آن تحت عنوان «نظام‌نامه تدوین برنامه توسعه» یاد می‌شود. این نظام‌نامه به کلیه فرآیندها و عملیات سازمان‌یافته‌ای گفته می‌شود که دربرگیرنده مراحل تهیه، تدوین و تصویب و ابلاغ برنامه است. لذا با عنایت به اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف «تعریف و تبیین عناصر نظام‌نامه تدوین برنامه هفتم توسعه؛ از رهگذر بررسی فراتحلیلی مطالعات هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه» سعی بر آن دارد تا نظام‌نامه‌های برنامه‌های توسعه پیشین را از منظر ساختاری - محتوایی واکاوی نموده و در خصوص مفاهیم و گزاره‌های مندرج در آنها به بحث و کنکاش بپردازد. جامعه هدف این پژوهش مجموعه مطالعات هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه است و استخراج گزاره‌ها تا حد اشباع نظری ادامه یافته است. پس از استخراج گزاره‌ها آنها به شیوه تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی تجزیه و تحلیل شده‌اند. در واقع داده‌های پژوهش، به واحدهای معنی تقسیم و سپس با فشرده‌سازی خلاصه شده‌اند. در نهایت با شیوه استقرایی طبقات فرعی استخراج و مضمون‌های اصلی از آنها انتزاع شده‌اند. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که مضامین استخراج شده را می‌توان در دسته‌های اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، محیطی - آمایشی، نهادی - ساختاری و نظام‌ریزی دسته‌بندی نمود که در نظر داشتن آن برای تدوین برنامه هفتم مهم است. همچنین با روی هم‌گذاری و با استفاده فصل مشترک مضامین استخراج شده جهت‌گیری‌های هشت‌گانه بدست آمد که سمت و

* استادیار، مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، سازمان برنامه و بودجه کشور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: Mortezamehralitabar@gmail.com

** دکتری علوم اقتصادی، متخصص حوزه اقتصاد توسعه و آموزش

سوی کلی برنامه هفتم توسعه را نشان می‌دهد. در نهایت ذیل هریک از جهت‌گیری‌های استخراج شده، سیاست‌ها و الزامات آنها متناسب با یافته‌های پژوهش ارائه شده است.

واژگان کلیدی: برنامه‌های توسعه، نظام‌نامه، برنامه‌ریزی توسعه، فراتحلیل، جهت‌گیری توسعه.

طبقه‌بندی JEL: o29, z19, 178

مقدمه

دادلی سیرز توسعه را جریانی چند بعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی اجتماعی را به همراه دارد. به عقیده وی، توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی اداری و وجه نظرهای مردم است. توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد (سیرز و مایر، ۱۳۹۱: ۱۸۹). مایکل تودارو نیز معتقد است که توسعه جریانی چندبعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۶۶: ۱۳۵). دستیابی به توسعه به عنوان یک هدف مهم برای بسیاری از جوامع، نیازمند ابزارهایی است تا تحقق آن اهداف را جامه عمل بپوشاند. از جمله این ابزارها "مقوله برنامه‌ریزی" است. برنامه‌ریزی توسعه به عنوان یکی از ابزارهای مهم توسعه اقتصادی پس از جنگ جهانی اول و به دنبال بحران بزرگ اقتصادی با شیوه‌های گوناگون مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است.

با مطرح شدن مفهوم توسعه و به دنبال آن برنامه‌ریزی برای توسعه، بسیاری از کشورهای دنیا اهداف گوناگونی را تعیین و راه‌های متفاوتی را برای تحقق آن اهداف تعریف نموده‌اند. کشور ایران یکی از اولین کشورهایی است که دولت برای شکستن دور باطل فقر و دستیابی به رشد و توسعه همه‌جانبه، رو به برنامه‌ریزی آورده است.

اما ارزیابی چندین دهه برنامه‌ریزی توسعه در ایران بیشتر از همه حاوی این پیام است که حجم عظیم منابع انسانی، مالی و طبیعی مصرف شده، با دستاوردهای آن تناسبی نداشته و با وجود پیشرفت‌های مهمی که در برخورداری از مواهب توسعه نسبت به گذشته پدید آمده، شکاف و فاصله تاریخی ایران با کشورهای پیشرفته چندان کاهش نیافته و حتی در

بسیاری از موارد اهداف و آرمان‌های ملی تعریف شده در اجراء به توفیق نسبی نائل نیامده است. به عبارتی هدف غایی توسعه که بهبود وضعیت رفاهی و زیست عادلانه برای آحاد کشور است تحقق نیافته است (علیرغم دستیابی به دستاوردهایی که در برنامه‌های ملی یا بخشی حاصل آمده است). بنابراین، پرسش‌های متعددی در مورد علت این مسأله مطرح شده است و افراد و گروه‌های متعدد از مناظر گوناگون به این موضوع پرداخته‌اند.

دلایل موفق نبودن برنامه‌های توسعه را می‌توان به هریک از مراحل تهیه و تدوین، تصویب، اجراء، ارزیابی و پایش برنامه نسبت داد یا برای هر یک از مراحل سهمی را قائل شد. اما آنچه که در این پژوهش بر آن تمرکز بیشتری شده است، قسمت تهیه و تدوین برنامه است.

یکی از لنگرگاه اصلی در بخش تدوین برنامه توسعه در ایران براساس آنچه که تاکنون رویه برنامه‌ریزی بوده، تدوین نظام‌نامه تهیه برنامه توسعه بوده است. تفاهم و وفاق بر سر نظام‌نامه به عنوان طرح کلی مسیر برنامه‌ریزی از نظر محتوایی و ساختاری، در میان سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، نقطه شروع و مهم یک برنامه‌ریزی موفق است. از دیگر سو، فرض بر این است که بررسی روند گذشته نظام‌نامه‌ها می‌تواند درس آموخته مفیدی را برای تدوین برنامه توسعه پیشرو فراهم نموده و از رهگذر آن چارچوبی را پیشنهاد کند که به تدوین برنامه توسعه مطلوب کمک نماید.

لذا با توجه به اهمیت موضوع و با این پیش‌فرض که در برنامه هفتم توسعه، تدوین نظام‌نامه به عنوان اولین گام عملیاتی برای تدوین برنامه پیشرو خواهد بود؛ سعی بر آن دارد تا نظام‌نامه‌های برنامه‌های توسعه پیشین را از منظر ساختاری - محتوایی واکاوی نموده و در خصوص مفاهیم و گزاره‌های مندرج در آنها به بحث و کنکاش بپردازد.

مسئله شناسی و بیان سوالات

مسئله اصلی پژوهش حاضر، ناظر بر یکی از مهم‌ترین گام‌های تهیه و تدوین برنامه توسعه و یا به نوعی مهم‌ترین مرحله تهیه برنامه است که از آن تحت عنوان «نظام‌نامه تدوین برنامه توسعه» یاد می‌شود. نظام‌نامه تدوین برنامه توسعه به کلیه فرآیندها و عملیات سازمان یافته‌ای گفته می‌شود که دربرگیرنده مراحل تهیه، تدوین، تصویب و ابلاغ برنامه

است. طرح‌ریزی نظام‌نامه قبل از تدوین برنامه می‌تواند مسیر حرکت و اقدامات لازم برای تدوین برنامه را از قبل ترسیم نموده تا در ادامه مطابق با طراحی انجام شده هر یک از بازیگران تهیه برنامه مطابق با طرح کلی ترسیم شده در راستای هدف اصلی حرکت نمایند. به بیان دیگر؛ نظام برنامه‌ریزی ناظر بر مجموعه قوانین و مقررات، سازمان‌ها، تشکیلات و روش‌هایی است که به منظور تهیه و تدوین و اجراء، نظارت و ارزیابی برنامه‌های توسعه کشور طراحی می‌شود. در واقع سازمان‌دهی و انسجام در حرکت و عملیات تهیه و تدوین برنامه نیازمند چارچوبی است تا در قالب آن چارچوب همه ارکان تهیه و تدوین برنامه همسو شده و در راستای یک هدف مشخص حرکت نماید، که از آن چارچوب به عنوان نظام‌نامه یاد می‌شود.

اهمیت و وزن بالای اثرگذاری این مرحله از تدوین برنامه بر کیفیت برنامه بیش از هر عامل دیگر، ناشی از آن است که این اقدام به عنوان یکی از مراحل اولیه تدوین برنامه و سنگ بنای تهیه برنامه به شمار می‌آید و طرح کلی تدوین برنامه در آن پیش‌بینی شده و مطابق با همین طرح‌ریزی، کلیت برنامه و محتوای نهایی آن، تولید و به منصف ظهور می‌رسد. بنابراین با عنایت به اهمیت و جایگاه نظام‌نامه در فرآیند تهیه برنامه توسعه کشور، مسئله این است که در برنامه‌های گذشته، نظام‌نامه در چه چارچوبی تهیه شده‌اند؟ یا آنکه؛ نظام-نامه‌های برنامه‌های گذشته چه ساختار و محتوایی داشته است؟ و یا آیا برنامه‌های تهیه شده به آن نظام‌نامه پای‌بند بوده‌اند؟ همه این موارد سوالاتی است که پاسخ به هر یک از آنها مجال پژوهشی خاصی را می‌طلبد. اما به منظور پاسخ به هر یک از سوالات مورد اشاره، پاسخ به این پرسش، اهمیت و اولویت دارد که نظام‌نامه‌های گذشته از لحاظ ساختاری و محتوایی چه مسیری را طی کرده‌اند؟

در راستای پاسخ به پرسش فوق در این مقاله، مجموعه نظام‌نامه‌های تهیه و تدوین برنامه-های توسعه بعد از انقلاب مورد واکاوی قرار گرفته و عناصر و اجزاء آن احصاء و استخراج شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد نظام‌نامه‌ها، ساختار و چارچوب ثابت و مشخصی نداشته‌اند و در هر یک از برنامه‌های توسعه به مواردی متناسب با دیدگاه برنامه‌ریزان اشاره شده است. در یک حالت کلی می‌توان گفت نظام‌نامه‌های برنامه‌های ابتدایی بعد از انقلاب بیشتر

به مقولات ساختاری و شکلی تدوین برنامه پرداخته و به تدریج تا برنامه‌های پایانی علاوه بر ساختار و سازمان تهیه و تدوین برنامه، به جنبه محتوایی و رویکردهای تدوین برنامه توسعه نیز اشاره شده است. به نحوی که در برنامه ششم توسعه مقوله آسیب‌شناسی و رویکردها و ویژگی‌های برنامه توسعه نیز در نظام‌نامه آن برنامه عنوان شده است (جدول ۱).

جدول ۱: عناصر مورد توجه در نظام‌نامه‌های تدوین برنامه توسعه کشور در بعد از انقلاب

اسلامی

ردیف	نام برنامه توسعه	عناصر مورد توجه در نظام نامه	تعداد صفحه
۱	برنامه اول	تعریف تشکیلات سازمانی تدوین برنامه توسعه - تعریف شوراهای مختلف - تعیین اعضاء شوراها و وظایف هر یک از آنها - تعریف کمیته‌های پوششی مستقل - تعریف نمودار سازمانی نظام برنامه ریزی	۸۲
۲	برنامه دوم	تشریح مراحل کار نظام برنامه‌ریزی - اعضاء شوراها و کمیته‌های برنامه ریزی - وظایف ارکان نظام برنامه‌ریزی - نمودار نظام برنامه‌ریزی - برنامه زمان‌بندی تهیه برنامه توسعه - نمودار سازمانی تشکیلات نظام برنامه‌ریزی - ترکیب گروه‌های کاری نظام برنامه‌ریزی	۱۰۹
۳	برنامه سوم	حد تفصیل برنامه توسعه - مراحل برنامه‌ریزی توسعه - شرح فعالیت‌ها در مراحل مختلف تدوین برنامه - مضامین اصلی برنامه - سازمان‌دهی (ارکان و اعضاء) تدوین برنامه توسعه - تشریح گردش کار نظام برنامه‌ریزی - وظایف ارکان برنامه‌ریزی	۷۸
۴	برنامه چهارم	فرآیند تهیه، تصویب و مراحل عملیاتی - خطوط کلی نظری برنامه توسعه - تدوین چشم انداز و تبیین سیاست‌های کلی نظام - هدف‌ها و سیاست‌های کلی برنامه - محورهای اساسی - الزامات و راهبردهای تدوین برنامه - ظرفیت‌ها و مسائل کلیدی - سازمان و تشکیلات برنامه توسعه	۴۵

ردیف	نام برنامه توسعه	عناصر مورد توجه در نظام نامه	تعداد صفحه
۵	برنامه پنجم	تعاریف اصطلاحات کاربردی - حد تفصیل برنامه - مراحل تدوین برنامه - جهت‌گیری اصلی برنامه - سازماندهی تدوین برنامه (اصول حاکم بر سازماندهی، ارکان نظام تشکیلاتی و ترکیب اعضاء) - وظایف ارکان نظام برنامه‌ریزی - برنامه زمانبندی - چارچوب کلی سند برنامه (اسناد پشتیبان و لایحه برنامه توسعه)	۳۱
۶	برنامه ششم	آسیب‌شناسی - تعاریف اصطلاحات - رویکردها و ویژگی‌های تدوین برنامه ششم - محتوا - حد تفصیل برنامه - تعریف فرآیند تدوین برنامه توسعه - اسناد برنامه ششم (سیاست‌های کلی، چارچوب سند و اسناد پشتیبان) - ساختار و سازمان تدوین مطالعه (ترکیب و وظایف اعضاء) - زمانبندی تهیه، تدوین و تصویب برنامه توسعه	۳۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

بعد از بیان مفهوم نظام‌نامه برنامه توسعه و تشریح مسیر تحولات ساختاری - محتوایی نظام‌نامه‌ها، مطلب مهم، عناصر و ارکان این نظام‌نامه‌هاست. در واقع سوال اینجاست که نظام‌نامه مطلوب تدوین برنامه هفتم توسعه به مثابه یک پازل از چه قطعاتی (عناصری) تشکیل شده است؟

برای پاسخ به این سوال از دو روش ترکیبی کیفی یعنی فراتحلیلی بر نظام‌نامه‌های گذشته و بهره‌گیری از نظرات کارشناسی در پنل خبرگانی بهره گرفته شد. لذا ابتدا تعداد تکرار عناصر هر یک از نظام‌نامه‌ها احصا، موارد مشابه حذف و موارد دارای اشتراک مفهوم در هم ادغام شده‌اند (جدول ۲). تعریف سازمان و تشکیلات، تشریح مراحل کار و ارائه زمان‌بندی و همچنین تعیین کمیته‌ها و در نظر گرفتن وظایف برای هر یک از کمیته‌ها از مصادیق پراهمیت نظام‌نامه‌ها می‌باشند. بنا به یافته‌های این بررسی وظایف ارکان نظام برنامه‌ریزی، تعیین حد تفصیل، تعاریف اصطلاحات کاربردی، چارچوب کلی سند برنامه، مضامین و

محورهای اصلی برنامه و ... از جمله دیگر مواردی هستند که می‌بایست در تعریف نظام‌نامه تدوین برنامه توسعه بدان‌ها توجه نمود.

جدول ۲: احصاء عناصر کلیدی نظام نامه‌های تدوین برنامه‌های توسعه گذشته

ردیف	عناصر مورد توجه	تعداد تکرار	ردیف	عناصر مورد توجه	تعداد تکرار
۱	تعریف تشکیلات و نمودار سازمانی تدوین برنامه توسعه	۶	۱۰	تعریف کمیته‌های برنامه‌ریزی (گروه های کاری) و تعیین اعضاء	۵
۲	تعریف کمیته‌های پوششی مستقل	۱	۱۱	جهت‌گیری اصلی برنامه	۱
۳	ظرفیت‌ها و مسائل کلیدی	۱	۱۲	چارچوب کلی سند برنامه (اسناد پشتیبان و لایحه برنامه توسعه)	۲
۴	وظایف ارکان نظام برنامه‌ریزی	۴	۱۳	خطوط کلی نظری برنامه توسعه	۱
۵	برنامه زمان‌بندی و تشریح مراحل کار نظام برنامه‌ریزی و تعریف مراحل فرایندی تهیه، تصویب و مراحل عملیاتی (گردش کار)	۶	۱۴	تدوین چشم‌انداز و تبیین سیاست‌های کلی نظام	۱
۶	الزامات و راهبردهای تدوین برنامه	۱	۱۵	تعاریف اصطلاحات کاربردی	۲
۷	تعیین حد تفصیل	۳	۱۶	آسیب‌شناسی	۱
۸	مضامین و محورهای اصلی برنامه	۲	۱۷	هدف‌ها و سیاست‌های کلی برنامه	۱
۹	رویکردها و ویژگی‌های تدوین برنامه	۱			

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

مرحله آخر؛ احصا نهایی و ارائه پیشنهاد عناصر برای تدوین برنامه هفتم توسعه است. در این قسمت با استفاده از نظرات کارشناسان (پنل نخبگانی) و با عنایت به فراوانی مواردی که در نظام‌نامه‌های برنامه گذشته بدان‌ها تاکید شده است؛ عناصر، گزینش نهایی شده و به عنوان درون‌مایه و سازمان اصلی نظام‌نامه تدوین برنامه هفتم توسعه پیشنهاد شده است (شکل ۱).



شکل ۱: عناصر نهایی نظام‌نامه تدوین برنامه توسعه

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

بعد از احصاء نهایی، اینک نوبت به این می‌رسد که با توجه شرایط موجود هر یک از عناصر چگونه تعریف و تبیین شوند. قطعاً نوع مواجهه و رویکرد مد نظر در تعریف هر یک از عناصر می‌تواند در کیفیت و جهت‌دهی برنامه توسعه تاثیر بسزایی داشته باشد. لذا غنی بودن و برخورداری از پشتوانه علمی دقیق در تبیین هر یک از مصادیق، راه را برای تدوین برنامه توسعه آسان نموده و تحقق اهداف برنامه توسعه را از انحرافات حفظ می‌نماید.

تبیین هر یک از موارد و عناصر مورد اشاره در شکل بالا می‌تواند موضوع کنکاش و پژوهشی مستقلی باشد تا از آنها تعریف و تبیین علمی و منطقی ارائه شده و در نهایت با کنار هم قرار گرفتن هریک از آنها کلیت نظام‌نامه شفاف و تدقیق گردد. اما در پژوهش حاضر، با آگاهی از وجود منابع مکتوب مجموعه مطالعات هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه در کشور^۱ تلاش شده است تا از منظر این مطالعات به برخی از مقولات مطرح شده (براساس محتوای مطالعات و ارتباط با عناوین مطرح شده) پاسخ و تعریفی ارائه شود و یا به عبارت دیگر از دید این مطالعات بسته به دامنه محتوایی مطالعات هدف، هر یک از عناصر مذکور تعریف و تبیین گردند. بطور خلاصه مطالعه حاضر با هدف «تعریف و تبیین عناصر نظام‌نامه تدوین برنامه هفتم توسعه؛ از رهگذر فرا تحلیل مطالعات هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه» سعی دارد به این سوال پاسخ دهد که «مطالعات هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران به کدامیک از عناصر نظام‌نامه پرداخته و چه تبیینی را برای آن عناصر ارائه داده است؟»

ادبیات پژوهش

پارادایم غالب در مطالعات توسعه در طول دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، مکتب نوسازی بود. در این دیدگاه، توسعه در چشم‌اندازی تکاملی نگریده و وضعیت توسعه نیافتگی بر حسب تفاوت‌های قابل مشاهده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین ملت‌های فقیر و غنی تعریف می‌شود. همچنین در این دیدگاه توسعه، فرآیندی تقلیدی است که در جریان آن، کشورهای کمتر توسعه‌یافته به تدریج صفات و کیفیت‌های ملل صنعتی و پیشرفته غرب را به خود می‌گرفتند. در مجموع عمده‌ترین ویژگی‌های پارادایم نوسازی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- توسعه فرآیندی خودجوش و غیرقابل برگشت و به طور ذاتی موجود در تک‌تک جوامع است؛

۱. مطالعات مورد اشاره در سال ۱۳۹۷ توسط مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری انجام و در سال ۱۳۹۹ بصورت الکترونیکی در وبسایت مرکز منتشر و در سال ۱۴۰۱ نیز بصورت فیزیکی در شش جلد که هر جلد آن سه فصل (مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و مقالات) دارد؛ منتشر شده است.

- توسعه دلالت بر انفکاک ساختاری و تخصصی شدن کارکردی دارد؛
- فرآیند توسعه را می‌توان به مراحل مشخص و متمایزی تقسیم کرد که نشان دهنده سطح توسعه به دست آمده توسط هر جامعه است؛
- توسعه را می‌توان از طریق رقابت خارجی یا تهدید نظامی و به وسیله اقدامات داخلی در حمایت از بخش‌های مدرن و نوسازی بخش‌های سنتی برانگیخت (سو، ۱۳۷۸: ۵۸).

اما در اواخر دهه ۱۹۶۰، مکتب نوسازی تحت حملات روزافزون منتقدین قرار گرفت و بعد از آن مکتب وابستگی مطرح شده است. مکتب وابستگی، چشم‌انداز غالب در ادبیات توسعه و توسعه‌نیافتگی در دهه ۱۹۷۰ بود. این رهیافت، از بحث‌های گسترده پیرامون مسایل توسعه نیافتگی در آمریکای لاتین نشأت گرفته و همچنین نقدی از پارادایم نوسازی اروپا محور را در برمی‌گرفت. در این دیدگاه افرادی مانند پل باران و پل سوئیزی معتقد بودند که فقط با خروج از نظام سرمایه‌داری جهانی و بازسازی اقتصاد و بنیان جامعه براساس نظام سوسیالیستی می‌توان به توسعه واقعی دست یافت. از طرف دیگر آندره گوندرفرانک معتقد بود که سرمایه‌داری جهانی به محض به وجود آمدن، نظام‌های اجتماعی اولیه را تخریب یا دگرگون و آن‌ها را به منابع توسعه هر چه بیشتر خود تبدیل کرد. به نظر وی، نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای توسعه نیافته، به جای این که اساسا اصیل یا سنتی باشند، تحت تاثیر نفوذ سرمایه‌داری بوده‌اند (ازکیا، ۱۳۸۵: ۲۸۹ - انتقادات واقع شده است).

بعد از آن گرایش‌های جدید در نظریه‌های توسعه شکل گرفت که مروری بر این حوزه از نظریات توسعه نشان می‌دهد که روش‌شناسی مشخص و مطلق وجود ندارد. این تحولات معرفتی در عرصه توسعه را می‌توان به حرکت از دیدگاه‌های ساختارگرایانه که بر نقش ساختارهای کلان تاکید دارند به سمت دیدگاه‌های کارگزار محور، حرکت از دیدگاه‌های دترمینیستی به سمت دیدگاه‌های تفسیری، تغییر از دیدگاه‌های ماتریالیستی و تقلیل‌گرایانه به دیدگاه‌های چند بعدی و کل‌گرایانه تعبیر کرد. این تحول به معنای جایگزینی

نیست؛ بلکه به معنای تکمیل است. این تغییرات نتایج گسترده‌ای در پی داشته، به نحوی که تاکید بر کارگزاری، منجر به تفکر توسعه مکانی شده و به جهت‌گیری‌های محلی و منطقه‌ای دامن زده است. دیگر اینکه در نظریات جدید توسعه، تعمیم‌های کلی زیر سوال رفته و دستورالعمل‌های کلی بی‌اعتبار شده‌اند و دیگر صحبت از جنوب به عنوان یک کلیت هم شکل نیست، بلکه از جنوب‌های مختلف صحبت به میان آمده است و سوالاتی از قبیل چه نوع توسعه‌ای یا چه نوع رشدی مشروعیت یافته‌اند. محلی و منطقه‌ای شدن و نیز پذیرش تنوع و تمایز در رویکردهای توسعه مسئله تلفیق سطوح تحلیل و چگونگی روابط سطوح خرد و کلان را نیز بوجود آورده است (هارت‌ویک و پیت، ۱۳۸۹). این طیف از نظریات متوجه بحث و گزینش درباره انواع سرمایه‌داری (بازار آزاد، سرمایه‌داری شرق آسیا، سرمایه‌داری کشورهای تازه صنعتی شده و سرمایه‌داری نفتی) خواهند بود. توسعه انسانی نیز در ابعاد مختلفی از جمله جنسیت (شاخص توسعه جنسیتی)، حقوق سیاسی (شاخص توسعه آزادی) و نیز در تلفیق با رویکرد توسعه بدیل در ابعاد توسعه عادلانه گسترش خواهد یافت و امنیت انسانی نیز در کانون توجه توسعه انسانی قرار خواهد داشت (جدول ۳).

جدول ۳: گرایش‌های جدید در توسعه

گرایش	دیدگاه‌های متعارف جدید	موضوعات جدید
تمایز	نظریه‌های کلان	نظریه‌های میان برد، دانش محلی
باز اندیشی	زبان شناسی، تحلیل گفتمان	توسعه به مثابه یادگیری اجتماعی، بازخوردهای اجتماعی
بین رشته‌ای	نظریه‌های بخشی، شکاف بین توسعه در ابعاد سیاسی اقتصادی و اجتماعی	رهیافت‌های پل زننده: اقتصاد نهادی جدید، جامعه شناسی اقتصاد، سرمایه اجتماعی، اقتصاد اجتماعی، کل‌گرایی
همکاری بین بخشی	توسعه دولتی، بازاری، یا جامعه محور	همیاری‌های بین بخشی، کنش عمومی
امنیت انسانی	کمک انسان دوستانه، از اعانه به توسعه	خطرات قطبی‌شدن، سیاست اجتماعی فراملی، قرارداد اجتماعی ملی
آگاهی جنسیتی	فارغ از جنسیت، اضافه کردن جنسیت	منافع جنسیتی، توسعه جنسیتی

گرایش	دیدگاه‌های متعارف جدید	موضوعات جدید
محیط زیست	سلطه بر طبیعت، توسعه پایدار	تولید ناخالص داخلی سبز، اکولوژی سیاسی
چرخش فرهنگی	غربی شدن، یکدست شدن در مقابل بومی شدن	تنوع فرهنگی، سرمایه فرهنگی به مثابه پول رایج سیاسی و به مثابه موتور رشد
واحد توسعه	کشور، محلی	محلی، ملی، منطقه ای و جهانی

مأخذ: حداد و همکاران، ۱۳۸۹؛ با اصلاح و تلخیص

به موازات بحث در خصوص مفهوم توسعه، با کمی اختلاف زمانی، مفهوم برنامه‌ریزی به عنوان ابزار نیل به توسعه مطرح بوده است. برنامه‌ریزی به مفهوم متمرکز و ملی آن، نخستین بار در شوروی در اواخر دهه ۱۹۲۰ تدوین و اجرا شد (اجلالی، ۱۳۹۴: ۲۳؛ خاندوزی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). در یک تعریف جامع، برنامه‌ریزی، یک دستور کار مشخص برای ساخت آینده مورد نظر است به طوری که حداقل سه رکن را شامل گردد. این ارکان شامل یک سری اهداف، راهبردها و وسایل تحقق اهداف و یک افق زمانی مشخص می‌باشد. چنین نگرشی به برنامه، مستلزم و متضمن نوعی اولویت‌بندی است، به عبارت دیگر، تدوین فهرستی بدون تعیین اولویت اهداف و استراتژی‌های مطلوب، با این تعریف سازگار نیست. البته صاحب‌نظران یک شرط مهم دیگر را برای دستور کار مذکور در نظر می‌گیرند و آن هماهنگی است. مقصود از این واژه، هماهنگی میان اهداف، وسایل، بخش‌ها و همچنین هماهنگی میان اهداف و وسایل می‌باشد (توفیق، ۱۳۸۵: ۲۷). تعریفی که در استاندارد UN از برنامه‌ریزی ارائه شده آن است که؛ برنامه‌ریزی توسعه، عبارت است از هدایت، کنترل و تغییرات آگاهانه و عقلایی متغیرها در یک نظام اجتماعی در جهت دستیابی به اهداف مطلوب آن نظام. بنابراین هر برنامه توسعه به صورت توأمان در برگیرنده اهداف جامعه (یعنی اینکه چه کارهایی باید انجام شود و جامعه به کدام سو می‌رود) و نیز دربردارنده "روش‌ها" و "ابزارهای" عقلانی مورد نیاز برای تحقق آن اهداف است (یعنی این که دستیابی به آن اهداف، چگونه و از چه مسیرهایی میسر می‌شود). به عبارت دیگر، برنامه توسعه، تجلی همزمان "عقلانیت" و "هدفمندی" در هر نظام اجتماعی است. با توجه به وجود موانع و عوامل بازدارنده متعدد در مسیر توسعه کشورها، آن‌ها نیازمند هستند تا با برنامه‌ریزی‌های دقیق و منسجم، از این مهم به سلامت عبور کنند (نصیری، ۱۳۷۴: ۲۹؛

یوهانسن، ۱۳۶۷: ۶۸-۶۷). برنامه‌ریزی توسعه دارای فرایندی است که متناسب با یک نظم مشخص از نقطه‌ای شروع و به نقطه‌ای مشخص ختم می‌شود که در حالت کلی این مراحل را می‌توان شامل مرحله شناخت، مرحله تعریف و تعیین اهداف، مرحله ارزیابی، مرحله تعیین راهبردهای اجرای برنامه، مرحله اجرای برنامه و در نهایت مرحله ارزیابی و پایش برنامه در نظر گرفت.

در مورد برنامه‌ریزی توسعه دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه مدعی است که تخصیص‌های بهینه تنها با علامت‌دهی قیمت‌های برخاسته از بازار امکان‌پذیر است و به هیچ نوعی از تنظیم، هدایت و کنترل امور و ایجاد مشارکت آگاهانه و ارادی مردم نیازی ندارد. در طرف دیگر طیف، دیدگاه برنامه‌ریزی جامع با مدیریت مرکزی و دیکته تکالیف برنامه به آحاد جامعه قرار دارد. این دیدگاه بر نگرش مارکسیستی مبتنی است و مدعی است که قیمت‌ها قادر نیستند وظیفه‌ی پیچیده‌ی تخصیص منابع را به صورت بهینه انجام دهند. تنها برنامه‌ریزان بالای جامعه هستند که می‌توانند از رفتار مصرفی مردم، اولویت‌ها و ترجیحات آن‌ها را تشخیص دهند و از شرایط فنی موجود و هزینه‌های نسبی کالاها بر حسب منابع، اولویت‌های تولید را مشخص کنند و بر اساس این اولویت‌ها منابع را تخصیص دهند (آلوین سو، ۱۳۷۷، شاکری، ۱۳۹۵: ۶۲۷).

در مجموع، برنامه‌های توسعه نقش مهمی در پیشرفت جوامع ایفا می‌کنند، تا بدان جا که مروری بر تجربه کشورهای توسعه یافته، گویای آن است که یکی از الزام‌های دستیابی به توسعه، برنامه‌ریزی منسجم، هدفمند و پایدار می‌باشد تا فارغ از مشکلات سیاسی و حاشیه‌ای و همچنین تغییر دولت‌ها، بستر مناسب برای نیل به توسعه ایجاد گردد و مجال تغییر در ساختارهای اقتصادی فراهم آید.

در این راستا بررسی‌ها نشان می‌دهد علت اصلی ناتوانی کشورهای در حال توسعه در تنظیم و تدوین برنامه‌های اصولی و علمی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و عدم اجرای درست آن‌ها را باید در ناتوانی این کشورها در شناسایی گلوگاه‌های اصلی و مشکلاتی دانست که در طول قرن‌ها برای آن‌ها باقی مانده است. برنامه‌ریزان توسعه در این کشورها از نظر

تئوری و فکری تلاش صادقانه برای شناخت و اشراف بر این مشکلات از خود نشان نمی‌دهند، در نتیجه اهداف و ابزارهای برنامه‌ریزی آن‌ها عموماً در یک فضای خیالی و دور از واقعیت‌ها شکل می‌گیرد (نونژاد، ۱۳۷۹: ۱۶۲). به طور کلی علل شکست برنامه‌ریزی در کشورهای در حال توسعه را می‌توان به دو دسته علل عام و خاص دسته‌بندی نمود. از علل عام می‌توان به نبود روحیه پذیرش تقسیم کار و رقابت‌پذیری در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی، نهادینه نشدن مکاتب فکری و فقدان انسجام فکری و گروهی، نبود دیدگاه‌های بلندمدت در مورد برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی و ضعف بهره‌وری نیروی کار و سرمایه اشاره نمود. از علل خاص نیز می‌توان به عدم وجود ثبات و امنیت کافی، فقدان سازمان مسئول و متعهد در امر برنامه‌ریزی، ضعف آماری و اطلاعاتی، عدم اولویت‌بندی، عدم به کارگیری سیاست‌های مناسب با توجه به اهداف برنامه، واقع‌گرایانه نبودن برنامه‌ها، به کارگیری نامناسب امکانات و منابع اقتصادی، نبود صرفه‌جویی‌های اقتصادی در بخش دولتی و عدم پیشگیری از هزینه‌های غیرضروری، ضعف در روحیه همکاری‌های عمومی، نبود الگوی مناسب مصرف و عدم کنترل و ارزیابی کافی بر تنظیم و روند اجرای برنامه اشاره نمود (نونژاد، ۱۳۷۹: ۱۷۵).

در نهایت بطور خلاصه چنین توان گفت که برنامه‌ریزی در واقع تعیین راهبردها، استراتژی‌ها و برنامه‌های اجرایی میان‌مدت و کوتاه‌مدت را با توجه به منابع و محدودیت‌ها برای دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی و توسعه‌ای مطلوب و مقدور، عهده‌دار است. بالطبع برنامه‌ریزی توسعه به معنی تعیین راهبردها و استراتژی‌های توسعه‌ای و ارائه برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت برای پیمودن موفقیت‌آمیز مراحل از مسیر توسعه با توجه به امکانات و محدودیت‌ها است. همچنین آنچه که ضرورت برنامه‌ریزی را توجیه می‌کند، گستره‌های محدود، غیر جامع و شامل هسته‌های خط‌دهنده است، نه جامعیت گستره برنامه. برنامه‌هایی که به صورت جامع تهیه می‌شوند و صرفاً همه امور را براساس سلیقه‌های خاص تنظیم و به مردم تکلیف می‌کنند منطقاً ضرورتی ندارد. در این راستا تجربه برنامه‌ریزی‌های شوروی، چین قبل از اصلاحات و برنامه‌های جامع تعدیل ساختار در کشور خودمان به خوبی گواه این مطلب است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت آن، از میان سه رویکرد روش‌شناختی کمی، کیفی و ترکیبی، از رویکرد کیفی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. همچنین از میان روش‌های کیفی؛ از تکنیک تحلیل محتوای کیفی بهره گرفته شده است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر محتوایی داده‌های متنی، از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. در تحلیل محتوای کیفی، هدف تقلیل داده‌ها و تحلیل آن‌هاست تا پژوهشگر از رهگذر تقلیل داده‌ها به مولفه‌های اصلی دست یابد. در این شیوه محقق بیش از آنکه بخواهد صرفاً بدنبال شمارش کمی کلمات باشد، بدنبال دستیابی به ژرفای متون مورد تحلیل است. بطور کلی رهیافت‌های موجود در تحلیل محتوای کیفی به سه دسته تقسیم می‌شود که شامل تحلیل محتوای استقرائی (عرفی، قراردادی، متعارف)، تحلیل محتوای قیاسی (هدایت‌شده، جهت‌دار) و تحلیل محتوای تلخیصی (تجمعی) می‌باشد.

در مجموع، رهیافت استقرائی و رهیافت قیاسی دو شیوه غالب در تجربه و تحلیل محتوای کیفی می‌باشند (تبریزی، ۱۳۹۱: ۱۲۸) که در پژوهش حاضر از رهیافت تحلیل محتوای قیاسی بهره گرفته شده است. در کل بین دو رویکرد قیاسی و استقرائی تفاوت‌های کلی وجود دارد که در جدول ۴ بدان‌ها اشاره شده است.

جدول ۴: تفاوت رهیافت‌های استقرایی و قیاسی در تحلیل محتوای کیفی

نوع تحلیل محتوا	آغاز تحقیق	زمان تشخیص رمزها یا کلمات کلیدی	منشا رمزها یا کلمات کلیدی
تحلیل محتوای استقرایی	مشاهده	رمزها هم‌زمان با تحلیل داده معین می‌شوند.	رمزها از داده‌ها مشتق می‌شوند.
تحلیل محتوای قیاسی	نظریه یا ادبیات نظری	رمزها هم‌زمان با تحلیل داده‌ها و یا قبل از آنها مشخص می‌شوند.	رمزها از تئوری یا یافته‌های تحقیق مشتق می‌شوند.

مأخذ: ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۸

پس از انتخاب روش و تکنیک مد نظر، در ادامه در پژوهش حاضر جهت تحلیل داده‌ها مرحله‌ای طی شده است که در ذیل به ترتیب، مراحل آن تشریح می‌شود:

۱- استخراج گزاره‌ها و شناسایی معناها: در این مرحله، که معمولاً بعد از مرور متون صورت می‌گیرد گزاره‌های مرتبط احصاء شده و بعد از بازنویسی اولیه، معنای فشرده شده این گزاره‌ها استخراج و در ستون مقابل به تحریر در می‌آید.

واحد‌های معنایی	گزاره‌ها
-----	-----
-----	-----
-----	-----
-----	-----
-----	-----
-----	-----
-----	-----
-----	-----

شکل ۲: نمایش فرضی تقریر و تحلیل داده‌ها

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۲- تقلیل‌سازی و مقوله‌بندی داده: بعد از انجام فعالیت مرحله اول، با مرور مکرر متون، معنای متعددی حاصل می‌گردد که یک بیان مشترک در ادبیات مختلف چندین بار تکرار شده و یا گاهی اوقات کاملاً شبیه هم بوده‌اند. از اینرو ابتدا تمامی جملاتی که هدفشان رساندن یک معنای مشترک بوده است (اما با شکل بیان متفاوت) و یا کاملاً شبیه به هم بوده‌اند، بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان در یک دسته معنایی قرار گرفته‌اند که از آنها تحت عنوان مقوله یاد می‌شود.

واحد‌های معنایی	مقولات
-----	-----
-----	-----
-----	-----
-----	-----
-----	-----

شکل ۳: نمایش فرضی تقلیل واحد‌های معنایی به مقولات گوناگون
 ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۳- استخراج مضامین اصلی: در مرحله آخر تلاش شده است تا مقوله‌های استخراج شده مرحله قبلی را با مقایسه و مرور مکرر و براساس تفاوت و شباهت‌هایشان با هم ترکیب شده و تحت یک مضمون کلی ساخته و تولید شود.

مضامین اصلی	مقولات
-----	-----
-----	-----
-----	-----
-----	-----
-----	-----

شکل ۴: نمایش فرضی تقلیل مقوله‌ها به مضامین گوناگون
 ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

همچنین حد پایانی و میزان و تعداد استخراج گزاره‌ها، به سیاق پژوهش کیفی براساس معیار اشباع نظری تعیین شده است. لذا در این پژوهش استخراج داده‌ها (گزاره‌ها) تا جایی ادامه پیدا کرده است که مطالب جدید و بدون تکرار بوده است.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

مجموعه مطالعات هفتاد سال برنامه ریزی توسعه از منظر بهره برداری و کاربست یافته های آن برای تدوین برنامه هفتم توسعه کشور چندین بار و بصورت رفت و برگشت مورد بررسی و تعمق قرار گرفته است. لذا در فرایند بررسی، تمامی گزاره هایی که به مقوله برنامه ریزی برنامه هفتم توسعه مرتبط می شده و بنابر حدس اولیه محقق برای تدوین برنامه کاربرد داشته، احصاء و استخراج شده است. گفتنی است در این مرحله، محقق صرفاً به احصاء و استخراج گزاره ها پرداخته و هیچ گونه قضاوتی در مورد طبقه بندی و چینش محتوایی آنها ندارد. این گزاره ها، به عبارتی گزاره هایی هستند که فرض می شود بتوان بواسطه مرور مکرر آنها به لحاظ قرابت معنایی و انجام تکنیک تقلیل سازی براساس تشابهات و ارتباط معنایی به مقولاتی دست یافت که محتوای جدید برای پژوهش حاصل نمایند. لذا در گام بعدی، ابتدا تلاش شده است تا از گزاره های احصاء شده، واحدهای معنایی استخراج شوند.

در این راستا سعی بر آن بود تا گزاره های استخراج شده مورد پالایش قرار گرفته و از لحاظ محتوایی منسجم تر و چکیده تر شوند. به عبارتی تغییراتی در گزاره ها ایجاد شود تا ادامه فرآیند پژوهش برای استنتاج مضامین نهایی تسهیل گردد.

پس از انجام اقدام مذکور از واحدهای معنایی یا همان گزاره های پالایش شده، مقوله ها مورد تاکید احصاء گردید. مقوله ها به این مفهوم اند که هر یک از گزاره ها، بر یک محور و حوزه خاصی تاکید دارند که آن حوزه ها مقصود نهایی بیان آن گزاره است. به عبارتی در واقع آن گزاره ها بیان می شوند تا آن هدف مبنایی خود را توصیف و توجیه کنند. لذا امکان دارد در یک گزاره یک یا چند مقوله را بتوان در راستای اهداف پژوهش استخراج نمود. چنانچه در ادامه آمده است هر یک از این گزاره ها بر مقوله های گوناگونی تاکید داشته اند که بعد از استخراج آنها، مقرر است با پیاده سازی تکنیک پژوهش کیفی به انسجام و دسته بندی مشخصی برسند (جدول ۴).

جدول ۴: احصاء واحدهای معنایی و مقوله‌ها از گزاره‌های استخراجی

ردیف	واحدهای معنایی - پالایش گزاره‌های استخراجی	مقوله‌ها
۱	- ترکیب این دو نگاه برنامه ریزی جامع و برنامه‌ریزی هسته‌ای. - ضمن اینکه ما برنامه جامعی را برای کشور داشته باشیم، تمام این تنگناها را ببینیم.	نگاه ترکیبی در روش تدوین برنامه (ترکیب برنامه‌ریزی جامع و هسته‌ای)
۲	غفلت از نارسایی‌های ساختاری و مشکلات نظام تدبیر و توجه صرف به تحلیل چالش‌های بخشی و فرابخشی اقتصادی.	اصلاح نهادی
۳	- مشارکت عمومی و وجه دموکراتیک در سیستم برنامه‌ریزی. - وجود رهبری، هدایت، اداره و نظارت ارتباطات و معاملات توسط شبکه‌ای از عناصر.	حکمرانی شبکه‌ای
۴	- بهره‌وری عقلانی از منابع و ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی کشور در راستای توسعه پایدار - برقراری تعادل منطقه‌ای و محلی، رفاه جامعه و رضایت شهروندان کشور	پایداری توسعه ایجاد رضایت و عدالت
۵	برنامه‌ریزی نیز باید جامع باشد ولی اولویت آن حل مسائل حاد و فوری کشور باشد.	برنامه‌ریزی جامع مسئله محور
۶	- خروج نیروهای انسانی تحت عنوان سرمایه انسانی و پیوستن به بازار کشور خارجی - تهی شدن از نیروی تخصصی که می‌تواند عامل اصلی توسعه در کشور باشد.	خروج سرمایه انسانی
۷	نظام مالی کشور برای تحقق درآمد ناگزیر است همواره موتور محرکه تحصیل درآمد را روشن و پرشتاب نگه دارد و آن موتور چیزی جز نرخ ارز و میزان آن نیست.	نرخ ارز
۸	آمایش سرزمین به عنوان چارچوب بنیادین و زیرساخت اصلی برنامه - ریزی توسعه ایران.	برنامه‌ریزی منطقه‌ای
۹	- بازشناسی و ارزیابی تنگناهای نظام تصمیم‌گیری و تدبیر کشور، ارزش آن را دارد که حتی در یکی از برنامه‌های پنج‌ساله، در صدر توجهات و تمرکز نظام برنامه قرار گیرد. - حل تنگناهای نظام تدبیر کشور، مقدم بر گسترش ظرفیت‌های بخشی و فرابخشی، هدف برنامه قرار گیرد.	بازشناسی و بازتنظیم نظام تدبیر

ردیف	واحد‌های معنایی - پالایش گزاره‌های استخراجی	مقوله‌ها
۱۰	توسعه همه‌جانبه، پایدار و درونزا هنگامی اتفاق می‌افتد و با شتاب شایسته ادامه می‌یابد که حاکمیت به اولویت پرداختن به مقوله کیفیت در آموزش‌ها پایبند باشد	کیفیت ارائه آموزش‌ها
۱۱	- اقتصاد ایران درگیر وضعی است که می‌توان نام آن را "تودرتویی نهادی" گذاشت. - نهاد در نهاد، دستگاه در دستگاه و قانون در قانون.	تودرتویی نهادی
۱۲	ساختار نوین سازمانی کارآمد و بهره‌ور، تشویق به پس‌انداز و جلب سرمایه در صنعت، اقدام برای کاهش نابرابری‌ها، اصلاح نظام مالیاتی همراه با معافیت‌های تشویقی، آموزش همگانی و فرهنگ‌سازی، آموزش فنی و حرفه‌ای و تربیت نیروی ماهر و ورزیده، سرمایه اجتماعی، حذف موانع رشد کسب و کار از جمله محورهای مورد اقدام برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران باشد.	<ul style="list-style-type: none"> ✓ ساختار نوین سازمانی ✓ کارآمد و بهره‌ور ✓ تشویق به پس‌انداز و جلب سرمایه در صنعت ✓ اقدام برای کاهش نابرابری‌ها ✓ اصلاح نظام مالیاتی همراه با معافیت‌های تشویقی ✓ آموزش همگانی و فرهنگ‌سازی ✓ آموزش فنی و حرفه‌ای و تربیت نیروهای ماهر و ورزیده ✓ حذف موانع رشد کسب و کار ✓ سرمایه اجتماعی
۱۳	ابریحان‌های کشور بسان تخلیه روستاها، تراکم حاشیه‌نشین‌ها، رکود اقتصادی و گرانی نفس‌گیر، بیکاری جوانان، بحران محیط زیست، ورشکستگی آبی، سقوط شدید پس‌اندازهای مردم، بدهی‌های سنگین دولت، کسب‌وکارهای تعطیل شده، فساد لجام‌گسیخته و گسترده رانتی، افزایش طلاق، اعتیاد و بزهکاری، وجود میلیون‌ها پرونده در قوه قضاییه، فقدان سیاست‌گذاری و هدایت متمرکز کارشناسی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری موازی و ناهماهنگ با یکدیگر	<ul style="list-style-type: none"> ✓ تخلیه روستاها و تراکم حاشیه‌نشین‌ها ✓ رکود اقتصادی و گرانی بیکاری جوانان ✓ بحران محیط‌زیست و ورشکستگی آبی ✓ سقوط شدید پس‌اندازهای مردم

مقوله‌ها	واحد‌های معنایی - پالایش گزاره‌های استخراجی	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> ✓ بدهی‌های سنگین دولت ✓ فساد لجام‌گسیخته و گسترده رانتهی ✓ طلاق، اعتیاد و بزهکاری، وجود میلیون‌ها پرونده در قوه قضاییه ✓ فقدان سیاست‌گذاری و هدایت متمرکز ✓ تعدد مراکز تصمیم‌گیری موازی و ناهماهنگ با یکدیگر 		
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ساختار نهادی نامناسب کشور 	نیازمند برنامه‌های توسعه‌ای هستیم که ابتدا منجر به ایجاد ساختارهای مناسب برای توسعه‌یافتگی در کشور شوند.	۱۴
<ul style="list-style-type: none"> ✓ پرهیز از رویکرد مهندسی در برنامه‌ریزی و اتخاذ رویکرد محیطی - منطقه‌ای 	- توسعه در ایران نمی‌تواند تنها مهندسی و سازه‌ای باشد. - برای برقراری تعادل در تمام سطوح کشور بین مناطق مختلف از لحاظ اقتصادی و اجتماعی باید بین انسان، صنعت، فضا و جمعیت روابط منطقی وجود داشته باشد.	۱۵
<ul style="list-style-type: none"> ✓ بیکاری ✓ کم‌آبی ✓ صندوق‌های بازنشستگی 	وجود مشکلات بیکاری، صندوق‌های بازنشستگی، کم‌آبی	۱۶
<ul style="list-style-type: none"> ✓ تورم ✓ بیکاری 	- عامل مهم دیگری که در صحنه اقتصاد حضور جدی دارد فشارهای تورمی است که از طریق تغییر ترکیب مخارج بودجه در جهت هزینه‌های مصرفی دامن زده شده است. - بیکاری به پدیده‌ای ساختاری تبدیل شده است.	۱۷
<ul style="list-style-type: none"> ✓ بحران نظام تأمین اجتماعی 	در رابطه با نیازها می‌توان به نظام تأمین اجتماعی اشاره کرد که دیون دولت به اندازه‌ای گسترده شده است که اغلب کارشناسان پیش‌بینی بحران‌های وسیعی را در این حوزه می‌کنند.	۱۸

ردیف	واحد‌های معنایی - پالایش گزاره‌های استخراجی	مقوله‌ها
۱۹	اشتغال، تورم، توسعه‌یافتگی برخی مناطق و عدم توازن منطقه‌ای در توسعه و ... از جمله نیازهای اساسی کشور است.	<ul style="list-style-type: none"> ✓ توجه به ایجاد اشتغال ✓ کاهش تورم ✓ رفع عدم تعادل و توجه به مناطق کم برخوردار
۲۰	رفتن به سمت توسعه‌یافتگی در کشور مستلزم ایجاد نهادهای مناسب است و این نهادها باید در قالب تعیین اهداف توسعه‌یافتگی کشور مدون شوند.	ایجاد نهادهای مناسب و توسعه‌گرا
۲۱	در حوزه فناوری‌های نوین، صنایع پتروشیمی، استخراج نفت و گاز، کشاورزی، صنایع تبدیلی و ده‌ها حوزه دیگر امکان تحولات بزرگ و کلان در کشور وجود دارد که هر یک نیازمند هزینه‌های وسیع و گسترده‌ای است.	<ul style="list-style-type: none"> ✓ گسترش فناوری‌های نوین ✓ تقویت صنایع پتروشیمی ✓ تحول در صنعت نفت و گاز ✓ تقویت کشاورزی و صنایع تبدیلی
۲۲	کاهش نرخ واقعی ارز، بروز فشارهای تورمی در بازار تولیدات صنعتی و کشاورزی و ظرفیت‌های تولیدی پایین و غیررقابتی صادرات کالایی	<ul style="list-style-type: none"> ✓ فشارهای تورمی در بازار تولیدات صنعتی و کشاورزی ✓ ظرفیت‌های تولیدی پایین و غیررقابتی صادرات کالایی
۲۳	- در جامعه ما نمی‌توان برنامه اقتصادمحور داشت، و از کنار موانع موجود در ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با داشتن یک اقتصاد پویا عبور کرد، - همانطور که نمی‌توان از ضرورت‌های توسعه فرهنگی و سیاسی گذشت و نقش اقتصاد را در تحولات سیاسی و فرهنگی نادیده گرفت.	<ul style="list-style-type: none"> پرهیز از نگاه غالب اقتصادی در برنامه ریزی توسعه بدون توجه ابعاد اجتماعی - فرهنگی
۲۴	موضوع ساماندهی مالیات به تنهایی ارزش این را دارد که مثلا برنامه هفتم توسعه بر چنین محوری شکل گیرد و شفافیت و شناسنامه‌دار شدن کلیه درآمدها و مقابله با پولشویی و تلافی منافع تحقق رشد اقتصادی هدف اجرایی برنامه پنجساله هفتم قرار گیرد.	نظام مالیاتی ناقص در کشور

ردیف	واحد‌های معنایی - پالایش گزاره‌های استخراجی	مقوله‌ها
۲۵	هیچ برنامه توسعه اجتماعی بدون آنکه یک پیوست جدی و جامع مبارزه با فساد آن را هدایت و هماهنگ کند امکان اجرا ندارد.	فساد اداری - نهادی
۲۶	در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته جهان، امروزه برنامه‌های جدی و قاطعانه مبارزه با فساد در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است.	مبارزه با فساد
۲۷	حرکت اساسی برای توسعه کشورهای عقب‌مانده و بی‌برنامه: کوچک شدن دولت فربه و پهن‌پیکر، با رها کردن اقتصاد به دست بخش خصوصی و جلب سرمایه‌گذاری مردم. ایجاد بستری برای تحولات فرهنگی، فکری و بهبود منش، خلیقیات و رفتار مردم به‌منظور تربیت عناصر توسعه‌گرا، مسئولیت‌پذیر، وظیفه-شناس، متعهد و ماهر.	<ul style="list-style-type: none"> ✓ کوچک شدن دولت ✓ تحولات فرهنگی و فکری شهروندان ✓ شایسته‌سالاری
۲۸	نبود مؤلفه‌های حکمرانی خوب است که مصادیق آن به شکل نبود چشم‌انداز توسعه، بیکاری دانش‌آموخته‌ها، نارضایتی ژرف مردم، تعمیق شکاف نابرابری‌ها دیده می‌شود.	<ul style="list-style-type: none"> ✓ حکمرانی خوب ✓ افزایش رضایت و اعتماد ✓ کاهش شکاف طبقاتی
۲۹	متأسفانه به سازمان برنامه فرصت و امکان نقش‌آفرینی در فرایند توسعه کشور داده نشد.	قدرت و استقلال نهاد برنامه‌ریزی
۳۰	محور برنامه‌های توسعه مالزی توسط مهاتیر محمد آموزش سرمایه انسانی و تربیت عناصر ماهر، حرفه مند و کارآمد بود.	اهمیت دادن به آموزش‌ها
۳۱	دولت کره در فرایند توسعه برنامه‌ریزی شده عقلانی از سه ویژگی برخوردار بود: اول؛ نظام اداری یا بوروکراسی سالم، بی‌تقلب و مستقل، دوم؛ تقویت سرمایه اجتماعی برای ترقی همکاری بخش عمومی و بخش خصوصی سوم؛ به کارگیری کارکنان دولت بر پایه دانش، مهارت، توانمندی و درک مسئولیت ...	<ul style="list-style-type: none"> ✓ ایجاد نظام اداری یا بوروکراسی سالم، بی‌تقلب و مستقل ✓ تقویت تعاملات شبکه-ای بخش عمومی و بخش خصوصی ✓ به کارگیری کارکنان دولت بر پایه دانش، مهارت، توانمندی و درک مسئولیت
۳۲	شورایی از نخبگان و صاحب‌نظران متخصص در رشته‌های مختلف که به طور دائمی در شورا حضور دارند با خرد جمعی و عقلانیت و رایزنی با ارکان کشور و نظرات انتقادی دیگران به سیاست‌گذاری بپردازند.	<ul style="list-style-type: none"> ✓ نهادسازی مشورتی کلان ✓ مشارکت شبکه‌ای

ردیف	واحد‌های معنایی - پالایش گزاره‌های استخراجی	مقوله‌ها
۳۳	(تعریف مشخص از توسعه) توسعه فرایند خودجوشی است که در جامعه و دولت با تعامل بین دولت و جامعه و با حضور سرمایه اجتماعی، نهادهای مدنی، بخش خصوصی و حمایت ارشادی دولت صورت می‌گیرد.	اجماع در تعریف مفهوم توسعه
۳۴	در هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه در بخش آموزش، فعالیت‌های عمرانی و افزایش کمی بیشتر از کیفیت و تربیت نیروی انسانی کارآمد مورد توجه قرار گرفته است؛ چیزی که برای توسعه بیش از هر چیز به آن نیاز داریم.	کیفیت پایین آموزش
۳۵	اعتماد بین بخش خصوصی و بخش دولتی باید تقویت شود و یک رابطه دوطرفه بین سرمایه‌گذاری و امنیت در کشور وجود آید.	افزایش اعتماد
۳۶	آموزشکده آمایش سرزمین با مرکزیت تهران و شعب استان‌ها تشکیل و توسط دانشگاه‌ها و خبرگان، دوره‌های آموزشی برای تفهیم کارکرد آمایش سرزمین و نتایج مثبت عملکرد آن و نتایج زیانبار چشم‌پوشی از آن برای مقامات اجرایی، نمایندگان مجلس و ارباب رسانه‌ها اجرا شود	ترویج دانش توسعه
۳۷	تعامل و ارتباط تنگاتنگ بین مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و قوه مجریه برای هماهنگی و نتیجه بخشی در مصالح ملی	هماهنگی در نهادهای کلان تصمیم‌سازی
۳۸	برای توسعه غیر از منابع مالی، انسانی و تجهیزات و ابزار به سه پارامتر دانش، اندیشه و بینش نیازمندیم. دانش را در ایران داریم، اما در زمینه اندیشه و بینش ضعیف هستیم.	تقویت تئوری دانش توسعه
۳۹	- در وجود و دسترسی به آمار و اطلاعات درست، مطمئن و بلادرنگ نیز جای تردید هست. - هنوز شبکه هیدرومتری کشور تکمیل، تدقیق و برخط نشده است. - از ماهیت و هویت زیست‌بوم‌های کشور، توان اکوسیستمی تنوع گیاهی و تنوع جانوری در بانک‌های اطلاعاتی آمار و مآخذ موثق قابل دسترسی وجود ندارد.	برخورداری از آمار و اطلاعات صحیح
۴۰	مهمترین الزامات نهادی و حکمرانی برنامه‌ریزی توسعه کشور عمل به رعایت کامل اصول آمایش سرزمین است.	رعایت اصول آمایش سرزمین
۴۱	در حوزه نهادی، توسعه نیازمند تغییرات ساختاری بنیادین و کار وسیع فرهنگی و اجتماعی است.	نهاد سازی اجتماعی - فرهنگی
۴۲	حداقل در شرایط امروز، ما از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیازمند ایجاد نهادهای پیشرفته‌ای در کشور هستیم، مانند نهادهای تأمین مالی جدید، نهادهای پولی جدید، نهادهای توسعه‌ای،	ایجاد نهادهای مناسب توسعه

ردیف	واحد‌های معنایی - پالایش گزاره‌های استخراجی	مقوله‌ها
	ایجاد فناوری‌های جدید، دانشگاه‌هایی که درک درستی از مفاهیم توسعه‌ای داشته باشند.	
۴۳	تأمین استقلال نهاد برنامه‌ریزی در نظارت و دیده‌بانی عملکرد برنامه‌ها، اصلاح و تغییر برنامه‌ها با حمایت‌های قانونی از مهمترین الزامات نهادی و حکمرانی برنامه‌ریزی توسعه در کشور به شمار می‌آید.	استقلال نهادی برنامه‌ریزی توسعه
۴۴	برای برنامه‌ریزی توسعه علاوه بر الگوها، شیوه‌ها و روش‌ها، به عقلانیت و خرد جمعی نخبگان همه تخصص‌ها در نهاد برنامه‌ریزی نیاز است.	مشارکت نخبگان
۴۵	در نظام تدوین برنامه تنها سازمان برنامه و بودجه خود را متولی برنامه می‌داند و سازمانهای دیگر نگاه و تلقی‌شان نسبت به برنامه عمدتاً متمرکز بر دریافت بودجه است.	نهادینه شدن اندیشه برنامه در همه دستگاه‌های اجرایی
۴۶	در سیستم‌های برنامه‌ریزی باید به دنبال یک پارادایم برای یک برنامه بود.	داشتن پارادایم فکری مشخص در تدوین برنامه توسعه
۴۷	باید نهاد حوزه‌های علمیه در اینجا حضور جدی، فکری داشته باشند، نه الزاماً افراد با پوشش روحانیت. جای تفکر حوزه‌ها در برنامه و بودجه (برنامه‌ریزی) خالی است.	تعامل حوزه علمیه با دانشگاه در برنامه‌ریزی
۴۸	ما نیازمند نهادهای تحقیقاتی متعددی در کشورمان هستیم که این نهادها بتوانند از تجربیات جهانی و تئوری‌های مختلفی که وجود دارند استفاده کنند.	تقویت مراکز تحقیق و توسعه
۴۹	نهاد برنامه‌ریزی برای تهیه برنامه توسعه پیش از الگوها، شیوه‌ها و روش‌ها، به عقلانیت و خرد جمعی نخبگان همه تخصص‌ها در نهاد برنامه‌ریزی نیاز دارد؛ مانند دانشگاهیان، نهادهای پژوهشی، نخبگان علوم اجتماعی و علوم انسانی، علوم سیاسی و اقتصادی، فرهنگ و اخلاق، آموزش، امنیت و دفاع، خدمات، زیرساخت‌های توسعه	بهره‌گیری از خرد جمعی در تصمیم‌سازی
۵۰	ضرورت تعامل و ارتباط تنگاتنگ و چندسویه با نهاد برنامه‌ریزی توسعه کشور	انسجام نهادی
۵۱	ما در برخی از کالاها خودکفا شده‌ایم، اما هیچ توجهی نداریم که با چه قیمتی این خودکفایی ایجاد شده است؟ به چه بهایی آب و محیط زیست کشور را به این روز انداختیم؟	ارزش آب و محیط زیست
۵۲	تحریم‌ها، ترورها و مسائلی از این قبیل توجیه‌کننده فقدان نگاه آینده‌نگری و عدم اهتمام به حل مسائل کوتاه مدت نمی‌شود.	آینده‌نگری

ردیف	واحد‌های معنایی - پالایش گزاره‌های استخراجی	مقوله‌ها
۵۳	حتی قانون اساسی باید با صراحت خط‌مشی و روش سیاست‌گذاری و الزامات استمرار و اقتدار نهاد سیاست‌گذاری توسعه و برنامه ریزی کلان ملی را تبیین کند.	اقتدار نهادی برنامه‌ریزی توسعه
۵۴	باید به رشد اقتصادی پایدار در برنامه‌ریزی‌های توسعه توجه کنیم.	رشد اقتصادی
۵۵	ما باید سرمایه‌ها و منابع محدود کشور را در حوزه‌هایی که می‌توانیم بیشترین ارزش افزوده را تولید کنیم، هزینه و سرمایه گذاری کنیم.	صیانت از منابع طبیعی
۵۶	تمام سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها باید در راستای رسیدن به آن هدف یا پارادایم مشخص باشد.	تدقیق پارادایم مبنایی برنامه‌ریزی
۵۷	در نظام تدوین برنامه تنها سازمان برنامه و بودجه خود را متولی برنامه می‌داند و سازمانهای دیگر نگاه و تلقی‌شان نسبت به برنامه عمدتاً متمرکز بر دریافت بودجه است.	برنامه محوری به جای بودجه محوری در دستگاه‌ها
۵۸	در دهه‌های اخیر رشد اقتصادی در ایران بی ثبات بوده و هیچ دولتی موفق نبوده است.	ثبات رشد اقتصادی
۵۹	اقتصاد دولتی و درآمدهای نفتی بزرگ‌ترین مانع بر سر راه تعامل مطلوب بین دولت و بخش خصوصی است.	تقویت بخش غیردولتی در تولید
۶۰	- سرمایه‌های هنگفتی در اختیار شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی قرار دارد، اما بازدهی خوبی ندارند. - در بهره‌وری سرمایه نسبت به اوایل انقلاب افت شدید داشته‌ایم. - ضریب بهره‌وری سرمایه در اوایل انقلاب تقریباً ۱/۶۵ بوده که در سال ۹۴ این عدد به ۰/۶۵ رسید.	بهره‌وری سرمایه
۶۱	کارشناسان را آموزش دهیم تا تفکر آینده‌نگری و برنامه‌ریزی را پیوند بزنند.	تقویت تفکر آینده‌نگری
۶۲	نقش بخش خصوصی در تدوین برنامه‌ها بسیار کم‌رنگ بوده است.	تقویت نقش بخش خصوصی
۶۳	برای اینکه دریابیم چه کارهایی را می‌توان به بخش خصوصی ارجاع دهیم نیازمند یک طرح آمایش سرزمین در کشور و استان‌ها هستیم و باید طرح آمایش مقدم بر برنامه‌ریزی‌ها باشد.	نگاه آمایشی در تولید

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

چنانچه در جدول فوق آمده است مقولات متعددی از گزاره‌های مستخرج از جامعه پژوهش استخراج شده است که بصورت پراکنده بوده و نظم انسجام خاصی را در این مرحله بیان

نمی‌کنند. از اینرو در ادامه برای یافتن یک نظم مشخص و تولید گزاره‌های منطقی و علمی به شرح ذیل اقدام گردید.

یافته های تحلیلی

تعمق و مرور مکرر بر یافته‌های توصیفی برگرفته از مطالعات هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه نشان می‌دهد که مطالعات مورد بررسی، به حوزه‌های گوناگون برنامه‌ریزی و به ابعاد مختلف مطالعات توسعه پرداخته است. همچنین بنا به هدف این مطالعه، یعنی، تعریف و تبیین عناصر نظام‌نامه؛ براساس گزاره‌های استخراج شده، چنین برداشت می‌شود که عناصر متعددی از این نظام‌نامه را مورد توجه قرار داده است. اما به نظر می‌رسد آنچه که در گزاره‌های جمع‌آوری شده بیشتر و با تکرار و فراوانی بالاتر بدان‌ها اشاره شده است را می‌توان در سه بخش تفکیک نمود که عبارت‌اند از:

➤ محورها و مضامین اصلی برنامه‌ریزی توسعه

➤ جهت‌گیری‌های برنامه‌ریزی توسعه

➤ سیاست‌ها و الزامات برنامه‌ریزی توسعه

به بیان خلاصه‌تر؛ با مرور مکرر و تعمق در منابع اولیه (به سیاق پژوهش کیفی) و احصاء نکات کلیدی و گزاره‌های اصلی، حدس اولیه محقق بر آن است که با توجه محتوای منابع می‌توان در خصوص سه حوزه مذکور به تحلیل و تبیین پرداخت. همچنین ذکر این نکته لازم است که مراد از «جهت‌گیری»، «سیاست‌ها و الزامات» و «محورها و مضامین» در این پژوهش به شرحی است که در ذیل می‌آید:

محورها و مضامین: عبارت است از درون‌مایه و نقطه تأکیدی اصلی برنامه‌ریزی است که با پرداختن به آن، یا به مسئله‌ای پاسخ گفته می‌شود و یا از ظرفیت موجود برای نیل به توسعه استفاده می‌گردد.

جهت‌گیری‌ها: عبارت است از مجموعه‌ای از رویکردها، سیاست‌ها و رهنمودهای کلان، که رعایت آنها منجر به تحقق اهداف برنامه‌ریزی توسعه می‌شود. در واقع جهت‌گیری‌ها، گزاره‌هایی هستند کلی که گرایش و سمت‌وسوی اصلی برنامه‌ریزی توسعه را نشان داده و تمام ارکان برنامه‌ریزی متناسب با آن تنظیم می‌گردند.

سیاست‌ها و الزامات: عبارت است از مجموعه‌ای از شرایط و باید و نبایدهایی که وجود یا عدم وجود آنها برای تحقق اهداف برنامه‌ریزی ضروری بوده و بیانگر این است که در صورتی می‌توان به اهداف تعیین شده دست یافت که شرایطی با این ویژگی فراهم شود.

استخراج و تبیین محورها و مضامین کلیدی برنامه ریزی توسعه

یافته‌های حاصل از بررسی گزاره‌های استنتاجی حاکی از آن است که مفاهیمی در گزاره‌ها وجود دارند و می‌توان از این مفاهیم به عنوان محورها و مضامین کلیدی یاد کرد که به زعم مطالعات هدف این پژوهش باید به عنوان درون‌مایه و نقطه تأکیدی برنامه هفتم مورد توجه قرار گیرد. همچنین تحلیل و دسته‌بندی این مضامین نشان می‌دهد که می‌توان آنها را از حیث محتوایی در دسته‌های اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، نهادی - ساختاری، نظام برنامه‌ریزی توسعه و محیطی - فضایی دسته‌بندی نمود. شرح تفکیکی هر یک از مصادیق به نحوی است که در ادامه می‌آید:

➤ مضامین اقتصادی

دسته اول از مضامینی که می‌توان از واحدهای معنایی احصاء نمود "مضامین اقتصادی" هستند. از جمله معنای مستخرج از یافته‌ها که پرتکرار بوده و از جنس اقتصادی قلمداد می‌شود "مضمون بیکاری و ایجاد اشتغال" بوده است. در این زمینه مقوله‌هایی چون کاهش تدریجی ظرفیت اشتغال، ناپایداری اشتغال، کاهش مشارکت اقتصادی، بیکاری تحصیل - کرده‌ها مفاهیمی بوده‌اند که در قالب مضمون مذکور قرار گرفته‌اند. کاهش تورم، اصلاح نظام مالیاتی، رشد اقتصادی، مقابله با فقر، ارتقاء سطح تولید، تقویت اقتصاد دانش‌بنیان، تقویت بخش غیردولتی در اقتصاد و افزایش بهره‌وری در اقتصاد از دیگر مضامین هستند که در این طبقه جای می‌گیرند (جدول ۵).

جدول ۵: تقلیل و دسته‌بندی مقوله‌ها و استخراج مضامین اقتصادی

ردیف	مقوله‌ها	مضامین
۱	بیکاری جوانان و تحصیل‌کرده‌ها	مقابله با بیکاری و ایجاد اشتغال
۳	کاهش مشارکت اقتصادی	
۴	افزایش بیکاری	

ردیف	مقوله‌ها	مضامین
۵	کاهش تدریجی ظرفیت اشتغال	
۶	ناپایداری ایجاد اشتغال	
۷	وجود تورم	کاهش تورم
۸	رکود اقتصادی و گرانی	
۹	فشارهای تورمی در بازار تولیدات صنعتی و کشاورزی	
۱۰	بی‌ثباتی قیمت‌ها	
۱۱	اصلاح نظام مالیاتی همراه با معافیت‌های تشویقی	اصلاح نظام مالیاتی
۱۲	نظام مالیاتی ناقص در کشور	
۱۳	ناپایداری رشد اقتصادی	رشد اقتصادی
۱۴	تحقق رشد با ثبات	
۱۵	سقوط شدید پس‌اندازهای مردم	مقابله با فقر
۱۶	ناتوانی اقتصادی برخی اقشار	
۱۷	فقرزدایی	
۱۸	ظرفیت‌های تولیدی پایین و غیررقابتی بودن صادرات کالا	ارتقاء سطح تولید
۱۹	تقویت تولید در صنایع پتروشیمی	
۲۰	تشویق و هدایت پس‌انداز و جلب سرمایه در صنعت	
۲۱	حذف موانع رشد کسب‌وکار	
۲۲	تقویت بخش غیردولتی در تولید	
۲۴	فناوری‌های نوین	تقویت اقتصاد دانش بنیان
۲۵	اقتصاد دیجیتال	
۲۶	بالا رفتن سهم بخش غیردولتی در اقتصاد	تقویت بخش غیردولتی در اقتصاد
۲۷	تقویت نقش بخش خصوصی	
۲۸	کاهش نقش دولت در بخش اقتصاد	
۲۹	بهینه‌سازی اقتصاد نفت و گاز از تولید تا بازار	افزایش بهره‌وری در اقتصاد
۳۰	تقویت بهره‌وری در کشاورزی و صنایع تبدیلی	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

➤ مضامین اجتماعی - فرهنگی

دسته دوم از مضامین استخراج شده، مضامین اجتماعی - فرهنگی است. در این راستا؛ مقوله‌های کاهش اعتماد عمومی، تقویت تعاملات شبکه‌ای بخش عمومی و بخش خصوصی، افزایش مشارکت و ضعف سرمایه اجتماعی در قالب مضمون افزایش سرمایه اجتماعی، مقوله‌های خروج نیروی انسانی شایسته، آموزش فنی و حرفه‌ای، افزایش دسترسی به خدمات اساسی و مهارت‌افزایی و توانمندسازی در قالب مضمون افزایش سرمایه انسانی، مقوله‌های کاهش طلاق، اعتیاد و بزهکاری، افزایش آگاهی و تقویت فرهنگی مردم جامعه بخصوص اقشار محروم در قالب مضمون کاهش آسیب‌های اجتماعی، مقوله‌های ناکارآمدی نظام تأمین اجتماعی و پوشش حداکثری بیمه در قالب مضمون نظام تأمین اجتماعی، مولفه‌های ارتقاء سطح آموزش و بهره‌وری نیروی کار، تحول در نظام آموزش، کیفیت پایین آموزش و تربیت نیروی کار و آموزش همگانی و فرهنگ‌سازی در قالب مضمون ارتقاء کیفی نظام آموزش و همچنین مولفه‌های رفع نابرابری، افزایش رضایت عمومی بخصوص محرومان، برقراری عدالت و کاهش فاصله طبقاتی در قالب مضمون عدالت اجتماعی دسته‌بندی می‌شوند (جدول ۶).

جدول ۶: تقلیل و دسته‌بندی مقوله‌ها و استخراج مضامین اجتماعی - فرهنگی

مضامین	مقوله‌ها	ردیف
افزایش سرمایه اجتماعی	کاهش اعتماد عمومی	۱
	تقویت تعاملات شبکه‌ای بخش عمومی و بخش خصوصی	۲
	افزایش مشارکت	۳
	ضعف سرمایه اجتماعی	۴
افزایش سرمایه انسانی	خروج نیروی انسانی شایسته	۵
	آموزش فنی و حرفه‌ای و تربیت نیروی ماهر و ورزیده	۶
	افزایش دسترسی به خدمات اساسی	۷

ردیف	مقوله‌ها	مضامین
۸	مهارت‌افزایی و توانمندسازی اقشار خاص	
۹	کاهش طلاق، اعتیاد و بزهکاری	
۱۰	افزایش آگاهی و تقویت فرهنگی مردم جامعه بخصوص اقشار محروم	کاهش آسیب‌های اجتماعی
۱۱	توانمندسازی افراد آسیب دیده اجتماعی	
۱۲	ناکارآمدی نظام تأمین اجتماعی	اصلاح نظام تأمین اجتماعی
۱۳	پوشش حداکثری بیمه	
۱۴	ارتقاء سطح آموزش و بهره‌وری نیروی کار	
۱۵	تحول در نظام آموزش	ارتقاء کیفی نظام آموزش
۱۶	کیفیت پایین آموزش و تربیت نیروی کار	
۱۷	آموزش همگانی و فرهنگ‌سازی	
۱۸	رفع نابرابری	
۱۹	افزایش رضایت عمومی بخصوص محرومان	عدالت اجتماعی
۲۰	برقراری عدالت	
۲۱	کاهش فاصله طبقاتی	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

➤ مضامین نهادی - ساختاری

مضامین نهادی - ساختاری از جمله دیگر مضامین استخراج شده در این پژوهش است که ناظر بر امور اجرایی و اداری کشور می‌باشد. در این دسته از مضامین ۲۱ مقوله متفاوت در قالب ۵ مضمون طبقه‌بندی شده است. مضامینی که از همپوشانی، ادغام و ترکیب معنایی مقولات ۲۱ گانه حاصل شده است عبارت است از اصلاح ساختار نهادی، کوچکی و چابکی دولت، مقابله با فساد و برقراری حکمرانی مطلوب، نهادینه شدن تصمیم‌سازی شبکه‌ای و ایجاد هم‌افزایی و اجماع و در نهایت تحقق نظام تدبیر توسعه‌گرا (جدول ۷).

جدول ۷. تقلیل و دسته‌بندی مقوله‌ها و استخراج مضامین نهادی - ساختاری

ردیف	مقوله‌ها	مضامین
۱	ساختار نهادی نامناسب کشور	اصلاح ساختار اداری - اجرایی
۲	ایجاد نظام اداری یا بوروکراسی سالم، بی‌تقلب و مستقل	
۳	نهادسازی اجتماعی - فرهنگی	
۴	نوین‌سازی ساختار سازمانی اجرا در کشور	
۵	تعدد مراکز تصمیم‌گیری موازی و ناهماهنگ با یکدیگر	کوچکی و چابکی دولت
۶	کوچک شدن دولت	
۷	تودرتویی نهادی	
۸	اندازه بزرگ دولت	
۹	شایسته‌سالاری	مقابله با فساد و تحقق نظام پاداش‌دهی بهینه
۱۰	به‌کارگیری کارکنان دولت بر پایه دانش، مهارت، توانمندی و درک مسئولیت	
۱۱	فساد ساختاری	
۱۲	فساد لجام‌گسیخته و رانتی گسترده	
۱۳	برقراری نظام ارتقاء و انتصاب شایسته	
۱۴	بازشناسی و بازتنظیم نظام تدبیر	تحقق نظام تدبیر توسعه‌گرا
۱۵	هم‌افزایی تصمیم‌سازان کلیدی ارکان کلان مدیریت کشور	
۱۶	حکمرمایی شبکه‌ای	
۱۷	ایجاد نهادهای مناسب توسعه	نهادینه شدن تصمیم‌سازی شبکه‌ای و ایجاد هم‌افزایی و اجماع
۱۸	نهادسازی مشورتی کلان	
۱۹	مشارکت شبکه‌ای و نظام‌مند	
۲۰	مشارکت نخبگان	
۲۱	تقویت انجمن‌های مردم‌محور	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

➤ مضامین محیطی - آمایشی

دسته چهارم از مضامین احصاء شده، مضامینی تحت عنوان مضامین محیطی - آمایشی هستند. این مضامین ناظر بر ابعاد و عناصر طبیعی - اکولوژیکی و فضایی توسعه است. در این راستا مقوله‌هایی که از این حیث با این بعد از توسعه هم‌راستا و در دسته‌های مشخصی قرار گرفته‌اند، در نهایت ۱۹ مقوله استخراج در قالب ۶ مضمون تعریف و تبیین شده‌اند. لذا مقوله‌های تخلیه روستاها و تراکم حاشیه‌نشین‌ها، تقویت مناطق مرزی و محرومیت-زدایی و رفع نابرابری‌های منطقه‌ای در قالب مضمون توسعه روستایی و مناطق کمتر توسعه‌یافته، مقوله‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بهره‌برداری از ظرفیت سواحل، بهره‌برداری از ظرفیت‌های مرزی، آمایش مبنا کردن تولید و استفاده از ظرفیت‌های محلی - منطقه‌ای در قالب مضمون برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای، مقوله‌های توسعه پایدار، صیانت از منابع طبیعی و ارزش‌گذاری محیط‌زیست در قالب مضمون پایداری منابع طبیعی، مقوله‌های بهره‌وری مصرف آب در بخش‌های مختلف، سازگاری با کم‌آبی و مدیریت مصرف آب در قالب مضمون سازگاری با کم‌آبی، مقوله‌های رعایت اصول آمایش سرزمین و یکپارچه‌نگری سرزمینی در برنامه‌ریزی توسعه در قالب مضمون رعایت اصول آمایش سرزمین و مقوله‌های انتقال صنایع به مناطق کم‌برخوردار، بازتوزیع جمعیت و توزیع فضایی فرصت‌های اشتغال و زندگی در قالب مضمون تمرکززدایی دسته‌بندی شده‌اند (جدول ۸).

جدول ۸: تقلیل و دسته‌بندی مقوله‌های و استخراج مضامین محیطی - آمایشی

ردیف	مقوله‌ها	مضامین
۱	تخلیه روستاها و تراکم حاشیه‌نشین‌ها	توسعه روستایی و مناطق کمتر توسعه‌یافته
۲	تقویت مناطق مرزی	
۳	محرومیت‌زدایی و رفع نابرابری‌های منطقه‌ای	
۴	برنامه‌ریزی منطقه‌ای	برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای
۵	آمایش مبنا کردن تولید	
۶	استفاده از ظرفیت‌های محلی - منطقه‌ای	
۷	بهره‌برداری از ظرفیت سواحل	

ردیف	مقوله‌ها	مضامین
۸	بهره‌برداری از ظرفیت‌های مرزی	
۹	توسعه پایدار	پایداری منابع طبیعی
۱۰	صیانت از منابع طبیعی	
۱۱	ارزش‌گذاری محیط‌زیست	
۱۲	بهره‌وری در مصرف آب در بخش‌های مختلف	سازگاری با کم‌آبی
۱۳	سازگاری با کم‌آبی	
۱۴	مدیریت مصرف آب	
۱۵	رعایت اصول آمایشی	رعایت اصول آمایش
۱۶	یکپارچه‌نگری سرزمینی	سرزمین در برنامه‌ریزی
۱۷	انتقال صنایع به مناطق کم‌برخوردار	تمرکززدایی
۱۸	بازتوزیع جمعیت	
۱۹	توزیع فضایی فرصت‌های اشتغال و زندگی	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

➤ مضامین نظام برنامه‌ریزی

علاوه بر مضامین مذکور، دسته‌ای از مضامین استخراجی، مضامینی‌اند که ناظر بر خود برنامه‌ریزی (ساختار، سازمان و فرآیند برنامه‌ریزی توسعه) هستند. این دسته از مضامین ارتقاء کیفی محتوا و ساختار برنامه و برنامه‌نویسی را هدف گرفته و به دنبال آن است تا آسیب‌هایی که متوجه نظام‌ریزی است را کاسته و پیشنهادهاتی را ارائه کند که بتواند در ادامه، امکان برنامه‌ریزی مطلوب را مهیا نماید. در این راستا از بین مقوله‌های احصاء شده، ۲۳ مقوله را می‌توان در ۷ مضمون کلی ارائه نمود که به ساماندهی و بازطراحی نظام برنامه‌ریزی اشاره دارند. این مضامین عبارتند از: تلفیق برنامه‌ریزی جامع با برنامه‌ریزی هسته‌ای، تقویت نگاه اجتماعی - فرهنگی در تدوین برنامه توسعه، ترویج و تقویت دانش توسعه، استقلال نهاد برنامه‌ریزی و عدم دخالت غیرکارشناسی، آمار و اطلاعات مناسب،

مشارکت پایدار بواسطه شبکه ذی‌نفعان و اندیشمندان برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و انعطاف - پذیرگی (جدول ۹).

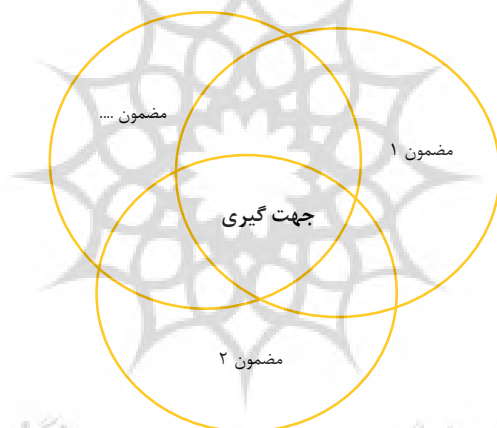
جدول ۹: تقلیل و دسته‌بندی مقوله‌های و استخراج مضامین نظام برنامه‌ریزی

ردیف	مقوله‌ها	مضامین
۱	نگاه ترکیبی در روش تدوین برنامه (ترکیب برنامه ریزی جامع و هسته‌ای)	تلفیق برنامه ریزی جامع با برنامه‌ریزی هسته‌ای
۲	برنامه ریزی جامع مسئله محور	
۳	پرهیز از رویکرد مهندسی و اتخاذ رویکرد اجتماعی - محیطی - منطقه‌ای	تقویت نگاه اجتماعی - فرهنگی در تدوین برنامه توسعه
۴	پرهیز از نگاه غالب اقتصادی در برنامه ریزی توسعه و توجه ابعاد اجتماعی - فرهنگی	
۵	اجماع در تعریف مفهوم توسعه	
۶	ترویج دانش توسعه	ترویج و تقویت دانش توسعه
۷	تقویت تئوری توسعه	
۸	مشخص بودن پارادایم فکری توسعه	
۱۳	سازمان برنامه و بودجه، پایگاه واحد برنامه ریزی	استقلال نهاد برنامه‌ریزی و عدم دخالت غیر کارشناسی
۱۴	استقلال و اقتدار نهادی برنامه‌ریزی توسعه	
۱۵	فقدان سیاست‌گذاری و هدایت متمرکز	
۱۶	برخورداری از آمار و اطلاعات صحیح	آمار و اطلاعات مناسب
۱۷	داده‌های موثق و کلان	
۱۸	وجود داده‌های در مقیاس منطقه‌ای	
۱۹	تقویت مراکز تحقیق و توسعه مرتبط	مشارکت پایدار بواسطه شبکه ذی‌نفعان و اندیشمندان برنامه‌ریزی
۲۰	تدقیق پارادایم مبنایی برنامه‌ریزی توسط صاحب‌نظران	
۲۱	تعامل حوزه علمیه با دانشگاه در برنامه‌ریزی	
۲۲	تقویت نگاه آینده‌نگری در برنامه‌ریزی	آینده‌نگری و انعطاف‌پذیری برنامه
۲۳	برخورداری از تفکر آینده‌نگری	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

استخراج و تبیین جهت‌گیری‌های برنامه ریزی توسعه

به منظور احصاء جهت‌گیری‌ها، مضامین استخراج شده چندین بار مرور و با استفاده از تشابه معنایی و حوزه مشترک مفهومی هریک از مضامین، گزاره‌هایی تولید شده است که جهت‌گیری و سمت و سوی کلی برنامه هفتم توسعه را از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش بیان می‌دارد (شکل ۲). به این منظور تمامی مضامین اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، نهادی - ساختاری، نظام‌برنامه‌ریزی و محیطی - آمایشی در کنار هم قرار گرفته و از بین مضامینی که دارای حوزه مفهومی شبیه به هم بوده‌اند، فصل مشترک آنها استخراج و جهت‌گیری‌ها بیان شده است. در مجموع بررسی‌ها نشان می‌دهد که می‌توان تعداد ۸ جهت‌گیری را از مجموعه مباحث احصاء نمود که تشریح آن به شرح ذیل می‌باشد:



شکل ۴: نمای شماتیک تبیین گزاره‌ها از طریق فصل مشترک مضامین

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

جهت‌گیری ۱: تقویت نگاه منطقه‌ای و توجه به جنبه فضایی توسعه در برنامه‌ریزی توسعه کشور

جهت‌گیری اول؛ محصول برهمکنش و حاصل فصل مشترک سه حوزه «تمرکززدایی»، «رعایت اصول آمایش سرزمین» و «برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای» است. در واقع تلفیق سه

حوزه، بطور کلی بیانگر جنبه مکانی - فضایی توسعه ملی هستند و بر این نکته تاکید دارند که در تدوین برنامه هفتم توسعه باید از نگاه صرف بخشی پرهیز و در تصمیم‌سازی به توان‌ها و مسائل منطقه‌ای توجه نمود تا نتیجه نهایی اجراء برنامه‌ریزی با عدالت اجتماعی، توزیع فضایی متعادل امکانات و فرصت‌ها، استفاده مطلوب از منابع طبیعی همراه باشد.

جهت‌گیری ۲: تناسب ظرفیت‌های زیست‌محیطی با برنامه‌های توسعه‌ای و اقدامات

عمرانی و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی

جهت‌گیری دوم؛ که ناظر بر بعد محیطی و سیانت از سرمایه طبیعی در برنامه‌ریزی توسعه و برگرفته از دو مضمون «سازگاری با کم‌آبی» و «پایداری منابع طبیعی» است. در واقع این دو مضمون این جهت را به برنامه هفتم توسعه القاء می‌کنند که باید در تصمیم‌سازی برای توسعه کشور به حساسیت‌های زیست‌محیطی توجه داشت و با توجه همه محدودیت‌ها و تنگناها و یا بعضاً فرصت‌هایی که در این زمینه وجود دارند مناسب‌ترین گزینه برای نیل به توسعه را اتخاذ نمود.

جهت‌گیری ۳: ایجاد و تحقق عدالت اجتماعی با تاکید بر کاهش فقر، تامین اجتماعی و

توجه به مناطق کم‌برخوردار و روستایی

جهت‌گیری سوم؛ را می‌توان از هم‌پوشانی مفهومی چهار مضمون که عموماً جنبه اجتماعی آنها قوت دارد، بیان نمود. از بین مضامین احصاء شده، مضامینی چون «عدالت اجتماعی»، «مقابله با فقر»، «تامین اجتماعی» و «توسعه روستایی و مناطق محروم»، از کلیدواژه‌های هستند که به نوعی جهت اجتماعی تدوین برنامه هفتم توسعه را تدقیق می‌کنند. در واقع از فصل مشترک این چهار حوزه مفهومی می‌توان چنین برداشت کرد که برنامه هفتم باید در جهت کاهش شکاف طبقاتی از حیث اجتماعی و منطقه‌ای و ایجاد عدالت اجتماعی حرکت کند. در واقع جهت‌گیری سوم منتج از یافته‌های این پژوهش بر جنبه اجتماعی توسعه تاکید دارد و به دنبال تحقق عدالت اجتماعی در سطح کشور است.

جهت‌گیری ۴: تحول در ساختار اجرائی - اداری کشور و نهادسازی بهینه مبتنی بر

کارآمدی و چابکی دولت و نظام پاداش‌دهی عادلانه

جهت‌گیری چهارم؛ جهت‌گیری‌ای است از نوع نهادی و بر بازاندیشی و بازتعریف مقوله "ساختار و نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور" تاکید دارد. این جهت‌گیری از برهم‌کنش و هم‌پوشانی معنایی چهار مضمون کلی «اصلاح ساختار اداری - اجرائی»، «مقابله با فساد و تحقق نظام پاداش دهی بهینه»، «تقویت بخش غیردولتی در اقتصاد» و «کوچکی و چابکی دولت» حاصل شده است. این چهار حوزه معنایی از یک منظر به نظام برنامه‌ریزی توسعه این جهت را می‌دهند که برای نیل به توسعه باید نهادسازی‌های توسعه‌گرا شکل گرفته و ساختار اداری - اجرائی کشور باید به نحوی سازمان یابد که نه تنها مزاحم توسعه نباشد بلکه به حرکت توسعه شتاب دهد. در واقع این جهت‌گیری برگرفته از مطالعات مورد بررسی ناظر بر نهاد برنامه‌ریزی توسعه است و تحقق توسعه را مشروط به اصلاح ساختار اداری - اجرائی برنامه‌ریزی توسعه می‌داند که برای تحقق توسعه لازم و ضروری است.

جهت‌گیری ۵: تعریف نظام تدبیر توسعه‌گرا، تحقق حکمروایی شبکه‌ای و تقویت نقش - آفرینی بازیگران و ذی‌نفعان در نظام برنامه‌ریزی توسعه

جهت‌گیری پنجم؛ در امتداد جهت‌گیری قبلی بیان می‌گردد. آنچه‌آن که از مطالعات مورد بررسی در این پژوهش استنباط شده است حکایت از این دارد که مقوله ساختاری - نهادی در برنامه‌ریزی توسعه وزن و اهمیت بالاتری نسبت دیگر ابعاد توسعه دارد. لذا از نگاه این مطالعات، از منظر دیگر نیز می‌توان جهتی را برنامه‌ریزی توسعه هفتم تعریف نمود که بیشتر ماهیت نهادی داشته و تسهیل‌کننده توسعه کشور باشد. این جهت‌گیری برگرفته از فصل مشترک چهار حوزه مضمونی «مشارکت پایدار»، «تحقق نظام تدبیر توسعه‌گرا»، «نهادینه شدن تصمیم‌سازی شبکه‌ای و ایجاد هم‌افزایی و اجماع» و «برقراری حکمرانی مطلوب» است. این جهت‌گیری با تاکید بر برقراری حکمروایی مطلوب و تحقق شاخص‌های آن هم به عنوان هدف و هم ابزار توسعه مطرح شده است.

جهت‌گیری ۶: تقویت سرمایه انسانی و اجتماعی کشور با تاکید بر ارتقاء کیفی

نظام آموزشی و کاهش آسیب‌های اجتماعی

جهت‌گیری ششم؛ برگرفته از مضامینی است که بیشتر جنبه اجتماعی توسعه را در برمی‌گیرد. این مضامین عبارتند از: افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش سرمایه انسانی، کاهش

آسیب‌های اجتماعی و ارتقاء کیفی نظام آموزش. فصل مشترک چهار حوزه معنایی نامبرده بر این موضوع تاکید دارند که برنامه‌ریزی توسعه الزاماً ماهیت اقتصادی نداشته و در تدوین برنامه‌های توسعه باید از تاکید صرف بر جنبه اقتصادی پرهیز نمود. مقوله‌های مانند ارتقاء سرمایه اجتماعی و یا کیفیت آموزش، خود شاهد این مدعا است که یک برنامه‌ریزی توسعه مطلوب علاوه بر اینکه باید به دنبال ارتقاء کمی و کیفی شاخص‌های کلان اقتصادی باشد باید به این مضامین نیز توجه داشته باشد.

جهت‌گیری ۷: ایجاد زمینه رشد اقتصادی پایدار با اصلاح ساختار تولید و افزایش

بهره‌وری و با تاکید اقتصاد دانش بنیان

جهت‌گیری هفتم؛ با محوریت اقتصادی و با تاکید بر رشد اقتصادی بیان شده است. مرور مکرر مضامین استخراج شده و تعمق در آنها حاکی از آن است که از برهم‌کنش و روی-هم‌گذاری مضامینی چون «مقابله با تورم و بیکاری»، «رشد اقتصادی»، «ارتقاء سطح تولید»، «اصلاح نظام مالیاتی»، «افزایش بهره‌وری» و «تقویت اقتصاد دانش بنیان» می‌توان جهت‌گیری مشخصی را تدقیق نمود که به نحوی برآیند همه آن مضامین باشد. در تعریف این جهت‌گیری می‌توان رشد اقتصادی را به عنوان محور اصلی آن در نظر گرفت و ارتقاء بهره‌وری، اقتصاد دانش بنیان، اصلاح نظام مالیاتی و ارتقا سطح تولید به عنوان علت و دلایل تحقق رشد اقتصاد باشند و همین‌طور تورم و بیکاری نیز می‌تواند برآیند مثبت تحقق رشد اقتصادی باشد.

جهت‌گیری ۸: بازاندیشی و تحول در نظام برنامه‌ریزی رایج کشور از حیث

ساختاری و محتوایی و کارآمدی فرآیند برنامه‌ریزی توسعه در مراحل تهیه،

تدوین، اجراء و نظارت

علاوه بر مضامین مورد اشاره که با روی‌هم‌گذاری و برهم‌کنش آنها، بواسطه فصل مشترک مفهومی با همدیگر جهت‌گیری‌های مختلفی تدقیق و تبیین شده‌اند؛ مضامین دیگری نیز وجود دارند که ناظر بر خود نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور بوده و به دلیل برخورداری از چنین فصل مشترکی می‌توانند در قالب جهت‌گیری مستقل ارائه گردند. این مضامین ۵ گانه که محصول ۲۰ مقوله می‌باشد عبارتند از: تلفیق برنامه‌ریزی جامع با برنامه‌ریزی

هسته‌ای، تقویت نگاه اجتماعی - فرهنگی در تدوین برنامه توسعه، ترویج دانش توسعه، استقلال نهاد برنامه‌ریزی و عدم دخالت غیرکارشناسی، مشارکت پایدار بواسطه شبکه ذی-نفعان و اندیشمندان برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و انعطاف‌پذیری. از برهم‌کنش مضامین مذکور می‌توان چنین برداشت کرد که نظام‌ریزی کشور در تمامی مراحل تهیه و تدوین، تصویب، اجراء و پایش نیازمند بازتعریف و بازاندیشی است تا فرآیند جاری تهیه برنامه‌های توسعه مورد بازبینی قرار گیرد.

استخراج سیاست‌ها و الزامات برنامه‌ریزی توسعه

در این بخش از پژوهش مبتنی بر گزاره‌های مستخرج از مطالعات و متعاقب آن واحدهای معنایی استخراج شده از منظر ارائه سیاست‌ها و الزامات برنامه‌ریزی توسعه، با مروری مجدد سیاست‌های استخراج شده متناسب با جهت‌گیری‌ها، طبقه‌بندی شده‌اند (جدول ۱۰).

جدول ۱۰: احصاء سیاست‌ها و الزامات برگرفته مطالعات هدف به تفکیک جهت‌گیری‌ها

ردیف	شرح
	مضامین
	مضامین
۱	تقویت نگاه منطقه‌ای و توجه به جنبه فضایی توسعه در برنامه‌ریزی توسعه کشور
	<ul style="list-style-type: none"> ➤ یکپارچه‌نگری سرزمینی در برنامه‌ریزی توسعه و پرهیز از نگاه جزیره‌ای به پهنه فضایی کشور ➤ توجه و اهمیت دادن به ظرفیت‌های محلی - منطقه‌ای در برنامه‌ریزی توسعه ➤ بهره‌برداری از ظرفیت سواحل و مناطق مرزی ➤ بازاریابی فضایی صنایع در فضای جغرافیایی کشور به نفع مناطق کم برخوردار ➤ توزیع فضایی عادلانه فرصت‌های اشتغال و زندگی در پهنه جغرافیایی کشور
۲	مضامین
	مضامین
	تناسب ظرفیت‌های زیست‌محیطی با برنامه‌های توسعه‌ای و اقدامات عمرانی و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی
	تناسب ظرفیت‌های زیست‌محیطی با برنامه‌های توسعه‌ای و اقدامات عمرانی و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی

شرح		ردیف
<ul style="list-style-type: none"> ➤ مدیریت پایدار مصرف آب و سازگاری با کم‌ابی با ارتقاء بهره‌وری در بخش-های مختلف ➤ صیانت از منابع طبیعی و بهره‌برداری متوازن از توان‌های طبیعی سرزمین 	سیاست و الزام	۳
<ul style="list-style-type: none"> ➤ عدالت اجتماعی، مقابله با فقر، تامین اجتماعی و توسعه روستایی و مناطق محروم 	مضامین	
<ul style="list-style-type: none"> ➤ ایجاد و تحقق عدالت اجتماعی با تاکید بر کاهش فقر، تامین اجتماعی و توجه به مناطق کم‌برخوردار و روستایی 	جهت-گیری	
<ul style="list-style-type: none"> ➤ بهینه‌سازی نظام تامین اجتماعی و پوشش حداکثری بیمه ➤ ارتقاء سطح آموزش و بهره‌وری نیروی کار ➤ افزایش رضایت عمومی بخصوص محرومان با از بین بردن نابرابری‌ها ➤ کاهش فاصله طبقاتی و رفع نابرابری‌های منطقه‌ای 	سیاست و الزام	۴
<ul style="list-style-type: none"> ➤ اصلاح ساختار اداری - اجرائی، مقابله با فساد و تحقق نظام پاداش دهی بهینه، تقویت بخش غیردولتی در اقتصاد و کوچکی و چابکی دولت 	مضامین	
<ul style="list-style-type: none"> ➤ تحول در ساختار اجرائی - اداری کشور و نهادسازی بهینه مبتنی بر کارآمدی و چابکی دولت و نظام پاداش‌دهی عادلانه 	جهت-گیری	
<ul style="list-style-type: none"> ➤ ایجاد ساختار سازمانی کارآمد و بهره‌ور مبتنی بر نظام اداری شفاف و سالم ➤ حذف مراکز تصمیم‌گیری موازی و ناهماهنگ با یکدیگر ➤ کوچک‌سازی دولت و رفع تودرتویی نهادی ➤ به کارگیری کارکنان دولت بر پایه دانش، مهارت، توانمندی و درک مسئولیت 	سیاست و الزام	۵
<ul style="list-style-type: none"> ➤ مشارکت پایدار، تحقق نظام تدبیر توسعه‌گرا، نهادینه شدن تصمیم‌سازی شبکه‌ای و ایجاد هم‌افزایی و اجماع و برقراری حکمرانی مطلوب 	مضامین	
<ul style="list-style-type: none"> ➤ تعریف نظام تدبیر توسعه‌گرا، تحقق حکمروایی شبکه‌ای و تقویت نقش‌آفرینی بازیگران و ذی‌نفعان در نظام برنامه‌ریزی توسعه 	جهت-گیری	
<ul style="list-style-type: none"> ➤ بازشناسی و بازتنظیم نظام تدبیر و برقراری حکمروانی مطلوب ➤ مشارکت فعالانه و حضور حداکثری ذی‌نفعان در عرصه‌ها و سطوح مختلف کشورداری ➤ گفتمان‌سازی و ترویج دانش توسعه در بین نخبگان علمی و اجرائی 	سیاست و الزام	

شرح		ردیف
<ul style="list-style-type: none"> ➤ تقویت دانش برنامه‌ریزی توسعه و وفاق ذی نفعان در خصوص مفهوم و پارادایم توسعه ایران ➤ تشکیل شبکه اندیشه‌ای برنامه‌ریزی با حضور همه ذی نفعان و تقویت مطالبه‌گری در بین ذی‌نفوذان 		
افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش سرمایه انسانی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، ارتقاء کیفی نظام آموزش	مضامین	۶
تقویت سرمایه انسانی و اجتماعی کشور با تاکید بر ارتقاء نظام آموزشی و کاهش آسیب‌های اجتماعی	جهت-گیری	
<ul style="list-style-type: none"> ➤ تقویت مشارکت و حمایت از شبکه‌ها و انجمن‌های اجتماعی ➤ تقویت آموزش فنی و حرفه‌ای و تربیت نیروی ماهر و ورزیده ➤ ایجاد بستر مهارت‌افزایی و توانمندسازی اقشار خاص ➤ تقویت فرهنگی و فکری مردم جامعه بخصوص اقشار محروم ➤ ارتقاء سطح آموزش و بهره‌وری نیروی کار با تحول در نظام آموزش 	سیاست و الزام	
مقابله با تورم و بیکاری، رشد اقتصادی، ارتقاء سطح تولید، اصلاح نظام مالیاتی، افزایش بهره‌وری و تقویت اقتصاد دانش بنیان	مضامین	
ایجاد زمینه رشد اقتصادی پایدار با اصلاح ساختار تولید و افزایش بهره‌وری با تاکید بر تقویت اقتصاد دانش بنیان	جهت-گیری	۷
<ul style="list-style-type: none"> ➤ اصلاح نظام مالیاتی و تعریف نظام مالیاتی توسعه‌ای به منظور تقویت رشد اقتصادی ➤ مقابله با فقر و بیکاری و ناتوانی اقتصادی اقشار خاص ➤ بهره‌برداری از ظرفیت‌های تولیدی کشور در زمینه‌های مختلف و ایجاد زمینه صادرات ➤ تشویق و هدایت پس‌انداز و جلب سرمایه در بخش تولید با حذف موانع رشد کسب و کار ➤ ایجاد سازوکار لازم برای تقویت بخش غیردولتی در تولید ➤ تقویت و گسترش فناوری‌های نوین در فعالیت اقتصادی و بهره‌مندی از اقتصاد دیجیتال 	سیاست و الزام	
تلفیق برنامه‌ریزی جامع با برنامه‌ریزی هسته‌ای، تقویت نگاه اجتماعی - فرهنگی در تدوین برنامه توسعه، ترویج دانش توسعه، استقلال نهاد برنامه‌ریزی	مضامین	۸

شرح	ردیف
و عدم دخالت غیر کارشناسی، آمار و اطلاعات مناسب، مشارکت پایدار بواسطه شبکه ذی نفعان و اندیشمندان برنامه ریزی و آینده نگری و انعطاف پذیری	
بازاندیشی و تحول در نظام برنامه ریزی رایج کشور از حیث ساختاری و محتوایی و کارآمدی فرآیند برنامه ریزی توسعه در مراحل تهیه، تدوین، اجراء و نظارت	جهت- گیری
<ul style="list-style-type: none"> ➤ تلفیق برنامه ریزی جامع با برنامه ریزی هسته‌ای ➤ پرهیز از برنامه ریزی جامع صرف در تدوین برنامه هفتم توسعه ➤ بازبینی در نظام و رویکرد برنامه ریزی توسعه ➤ بهره‌مندی از آمار و اطلاعات کاربردی و موثق ➤ تقویت رویکرد آینده‌نگارانه در برنامه ریزی توسعه کشور ➤ استقلال و اقتدار نهادی دستگاه برنامه ریزی توسعه ➤ برقراری سازوکار سیاست گذاری مستقل برای برنامه ریزی توسعه و هدایت و پایش متمرکز 	سیاست و الزام

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

جمع بندی یافته ها

پژوهش حاضر با هدف «تعریف و تبیین عناصر نظام‌نامه از رهگذر بررسی فراتحلیلی مطالعات هفتاد سال برنامه ریزی توسعه» انجام شد. پرواضح است در گام اول پژوهش لازم بود تا عناصر نظام‌نامه برنامه ریزی توسعه در حد بضاعت پژوهش حاضر احصاء و در ادامه متناسب با محتوای مطالب جامعه هدف پژوهش؛ یعنی مجموع مطالعات هفتاد سال برنامه ریزی توسعه، به تعریف و تبیین عناصری از نظام‌نامه پرداخته شود که در جامعه هدف پژوهش، امکان استخراج و احصاء باشد. در این راستا آنچه در جمع‌بندی پژوهش حاضر می‌توان عنوان نمود به شرح ذیل است:

۱. برنامه ریزی به منظور دستیابی به توسعه در کشوری مثل کشور ایران امری تازه و جدید نیست و سابقه‌ای طولانی دارد. لذا بازاندیشی و کنکاش علمی در تجربیات گذشته با هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف گذشته حائز اهمیت است.

۲. نظام‌نامه تدوین برنامه توسعه به عنوان سنگ بنا، منشور مبنایی و مورد وفاق همه بازیگران تدوین برنامه و به عنوان نخستین گام عملی تدوین برنامه بعد از ابلاغ سیاست‌های کلی، لنگرگاهی است که چنانچه به دقت تعریف و تبیین شود، مسیر آتی برنامه‌ریزی توسعه را به درستی هدایت نموده و نقشه راه مطمئنی برای طی کردن مسیر عملی تدوین برنامه‌ریزی توسعه خواهد بود. آنچه در این پژوهش براساس بررسی خط سیر نظام‌نامه‌های گذشته و دخالت نظرات کارشناسی حاصل آمده است حکایت از این دارد که نظام‌نامه تدوین برنامه توسعه می‌بایست در برگیرنده چارچوب جامعی باشد که ارکان آن عبارتند از: جهت‌گیری‌های کلی، حد تفصیل برنامه و تعاریف مفاهیم، رویکرد، مضامین و محور اصلی، مدل (الگوی) برنامه‌ریزی، آسیب‌شناسی برنامه‌های گذشته، درس آموخته، سازمان و ارکان تهیه و تدوین برنامه، فرایند و زمان‌بندی.

۳. معمولاً در برنامه‌های توسعه ملی متناسب با جایگاه کنونی کشور از لحاظ توسعه‌یافتگی و براساس چالش‌های پیشرو و ظرفیت‌های موجود، مضامینی خاص به عنوان محور برنامه‌ریزی قرار می‌گیرند که پرداختن به آنها هم از جهت پاسخ به مسائل و هم از جهت بهره‌مندی از توان کشور ضروری می‌نماید. در این راستا نوشتار حاضر نیز برای این مورد در برنامه هفتم توسعه کشور پیشنهاداتی را ارائه نموده است. از نظرگاه این پژوهش، مضامین محوری می‌بایست در تدوین برنامه به طور ویژه مورد توجه قرار گیرند چراکه گشایش گره‌های توسعه کشور منوط به توجه به همین مضامین است.

۴. مهم‌ترین بخش یافته‌های نوشتار حاضر، تدقیق جهت‌گیری‌های مستخرج از بررسی و فراتحلیل از مطالعات جامعه پژوهش است.

جهت‌گیری اول استخراج شده در این پژوهش، ناظر بر بی‌تعادلی فضایی و بارگذاری نامتعادل فضایی جمعیت، فعالیت و بهره‌برداری نامتوازن از منابع طبیعی است و به این اشاره دارد که در برنامه هفتم توسعه کشور نگاه منطقه‌ای و توجه به جنبه فضایی توسعه در برنامه‌ریزی توسعه کشور باید مورد توجه جدی قرار گیرد. پراکنش نامتوازن جمعیت و تمرکز بیش از حد آن در بخش میانی و غربی کشور از یک سو و خالی شدن نواحی مرزی

بخصوص پهنه شرقی کشور شاهد این مدعاست. علاوه بر آن عدم بهره‌مندی از ظرفیت اقتصادی بالای سواحل، بخصوص سواحل جنوبی کشور، تمرکز بالای مراکز صنعتی بزرگ در پایتخت و اطراف آن و تا حدودی در استان‌های مرکزی کشور و همچنین نابرابری فضایی شاخص‌های توسعه انسانی - اجتماعی در پهنه کشور حکایت از این دارد که این امر یک مسئله حائز اهمیت برای کشور بوده و لازم است در برنامه توسعه کشور مورد توجه باشد.

در جهت‌گیری دوم مستخرج از پژوهش بر صیانت از محیط‌زیست و پایداری منابع طبیعی تاکید شده است. پراهمیت‌ترین بحث در این حوزه که در یافته‌های پژوهش نیز بدان تاکید شده است "مسئله کمبود آب و سازگاری با کم‌آبی" است. با استناد به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت توجه به پایداری منابع طبیعی و سازگاری با محدودیت آب از الزامات اساسی برنامه‌ریزی توسعه و عمران در کشور است و ملاحظات پایداری زیست محیطی باید در همه شئون برنامه‌ریزی مد نظر قرار گیرد. در این راستا پدیده‌هایی چون فرونشست‌ها، ریزگردها و گردغبار، کویرزایی، تخریب خاک، آلودگی هوا در شهرهای صنعتی و کلان - شهرها، تخریب جنگلها، نابودی حیات وحش، ... از جمله شواهدی‌اند که مرور آمارهای کمی هر یک از پدیده‌های نامبرده در سال‌های اخیر بر این یافته پژوهشی صحه گذاشته و بر توجه آنها در تدوین برنامه توسعه هفتم تاکید می‌کند.

جهت‌گیری دیگر مستخرج از پژوهش ناظر بر رفع کم‌برخورداری مناطق، ایجاد عدالت اجتماعی و کاهش فقر است. علی‌رغم سابقه طولانی برنامه‌ریزی توسعه در کشور و تلاش وافر دولت‌های مختلف در رفع نابرابری‌های منطقه‌ای و کاهش فقر هنوز در پهنه جغرافیایی کشور شکاف میزان برخورداری بین منطقه‌ای دیده می‌شود و هنوز بر هدف رفع نسبی فقر در جای جای کشور موفقیت چندانی حاصل نیامده است. لذا از جمله مضامین مورد تاکید در تدوین برنامه پیش‌رو می‌توان به کاهش فقر و تحقق عدالت اجتماعی و منطقه‌ای نام برد که از مظاهر پراهمیت توسعه‌یافتگی در کشور به شمار می‌آید. در ادامه از جمله جهت - گیری که لازمه ایجاد و بسترسازی برای نیل به توسعه است تعریف و تحقق نظام تدبیر توسعه‌گرا و نهادسازی بهینه مبتنی بر کارآمدی و چابکی دولت است که به زعم نتایج

حاصل از این پژوهش نادیده گرفتن آن در طی سالیان گذشته برای ایجاد توسعه مزاحمت بوجود آورده و حتی می‌توان گفت ساختار نهادی کنونی در برخی از موارد یک ساختار توسعه‌گرا نیست. لازمه ایجاد تحول و نیل به توسعه مشروط به آن است تا ساختار نهادی و اجرائی کشور با بازآرایی اساسی از حالت کنونی خارج شده و با تاکید بر نقش تسهیل‌گری و کاتالیزوری به عنوان نهاد حامی ایجاد توسعه تبدیل شود. ویژگی‌هایی چون تمرکز مدیریتی، ضعف مشارکت، نظام نامناسب پاداش‌دهی، تودرتویی نهادی از جمله مواردی‌اند که دلالت بر آن دارند که برای تهیه برنامه و تحقق آن باید این موارد را مد نظر داشت و آن را به عنوان یک جهت‌گیری در برنامه‌ریزی توسعه هفتم مورد توجه قرار داد. همسو با جهت‌گیری مذکور، بنابه یافته‌های پژوهش حاضر تحقق و حرکت در مسیر ایجاد حکمروایی شبکه‌ای و تقویت ارتباطات افقی و عمودی بین بازیگران و ذی‌نفعان برنامه‌ریزی توسعه می‌تواند تا حدی تضمین‌کننده مطلوبیت تدوین، اجرا و نظارت برنامه‌ریزی توسعه باشد. کنش‌گری فعال ذی‌نفعان و مشارکت منسجم از پیش‌شرط‌های اصلی موفقیت برنامه‌ریزی توسعه است. همچنین با عنایت به سررشته‌ایی که از جهت‌گیری قبلی حاصل آمده است "تقویت سرمایه انسانی و اجتماعی کشور با تاکید بر ارتقاء نظام آموزشی و کاهش آسیب‌های اجتماعی" به عنوان یکی دیگر از جهت‌گیری اصلی مورد تاکید قرار گرفته است که می‌بایست در برنامه هفتم مورد توجه قرار گیرد. این جهت‌گیری ناظر بر بعد اجتماعی توسعه و اشاره به آن دارد که نیل به توسعه‌یافتگی مفهوم صرفاً اقتصادی ندارد و همچنین راه دست یافتن به آن نیز تنها اقدامات اقتصادی نیست بلکه در برنامه‌ریزی توسعه هم در فرآیند و هم در نتیجه با به مقوله اجتماعی - انسانی نیز توجه نمود. ایجاد اعتماد عمومی، گسترش انسجام اجتماعی و مشارکت فعالانه و افزایش آگاهی و همچنین ارتقاء قابلیت‌های فردی با کسب آموزش، نشاط و تندرستی، مهارت‌آموزی حرفه‌ای و شخصی و برخورداری از عزت نفس اجتماعی، کیفیت و خوشنودی از زندگی همگی از جمله مقولاتی‌اند که به عنوان روح و جان‌مایه اصلی توسعه است و در صورت تحقق مولفه‌های مذکور در نتیجه اجراء برنامه‌های توسعه، با اطمینان بیشتر می‌توان گفت جامعه در مسیر توسعه یافتگی قرار گرفته و ارتقاء شاخص‌های کلان اقتصادی منجر به

بهبود کیفیت زندگی و پایداری کلی جامعه در ابعاد گوناگون شده است و به گفته آمارتیا سن^۲ از نآزادی‌های شهروندان کاسته شده است.

جهت‌گیری بعدی که یافته‌های نوشتار حاضر توصیه می‌کند و می‌بایست در تدوین برنامه هفتم توسعه کشور مورد توجه قرار گیرد عبارت است از: «ایجاد زمینه رشد اقتصادی پایدار با اصلاح ساختار تولید و افزایش بهره‌وری با تاکید بر تقویت اقتصاد دانش بنیان». به استناد یافته‌های پژوهش چنین می‌توان گفت که شواهدی چون بهره‌وری پایین عوامل تولید در ساختار اقتصاد ایران، پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری، ناکارآمدی نظام مالیات ستانی و یا در مجموع نظام تولید ناهمسو با توسعه؛ دلالت بر آن دارد که در جهت‌گیری برنامه هفتم این موارد لازمست مورد توجه قرار گرفته شوند تا شرایط برای ایجاد رشد اقتصادی پایدار (بدون نوسان) فراهم آید و این خود یکی از شاخص‌های مهم و پیش‌شرط‌های اساسی برای نیل به توسعه خواهد بود.

آخرین جهت‌گیری مستخرج، ناظر بر خود نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران است. چراکه خود فرآیند برنامه‌ریزی رایج در ایران به زعم بسیاری از صاحب‌نظران نیازمند بازطراحی جدی است. تصمیم‌سازی متمرکز، پایین بودن مشارکت ذی‌نفعان در فرآیند برنامه‌ریزی، ناکارآمدی نظارت بر اجرا، چالش‌های تصویب برنامه‌های تهیه شده، ... از جمله این موارد است که نشان می‌دهد فرآیند نظام برنامه‌ریزی بایستی باز تعریف شده و با شکل‌گیری نظام برنامه‌ریزی توسعه‌گرا مسیر تهیه برنامه توسعه مطلوب هموارتر شود.

در ادامه به منظور تدقیق بیشتر و همچنین شفاف‌سازی مسیر حرکت برنامه‌ریزی، متناسب با هر یک از جهت‌گیری‌هایی که احصاء شده است، از بطن یافته‌های پژوهش سیاست‌هایی استخراج شده است که به نوعی مجموعه باید و نبایدهای آتی را مشخص می‌نماید. مرور کلی این سیاست‌ها در مجموع حکایت از این دارد که برنامه‌ریزی توسعه در ایران هم از حیث محتوای موجود در متون برنامه توسعه و از هم حیث ساختار و فرآیند تدوین تنظیم برنامه نیازمند بازبینی و تحول جدی است. به عبارتی نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور لازم است با پوست‌اندازی از جهت محتوایی و ساختاری و با نگاه به آسیب‌های گذشته و

همچنین با بهره‌مندی از تجربیات موفق جهان، نخست موانع ساختاری و نهادی تحقق تدوین یک برنامه توسعه مطلوب را فراهم نماید و سپس در آن بستر با مشارکت همه ذی‌نفعان و با رعایت موازین علمی - اجرایی به تهیه برنامه توسعه اقدام نماید.



منابع

- اجلالی، پرویز و دیگران (۱۳۹۴). تجربه برنامه‌ریزی در جهان: پیدایش و سیر تطور. موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۵). دانشنامه جغرافیا، تهران، انتشارات سازمان شهریاری‌ها و دهیاری‌ها.
- آلویں سو، (۱۳۷۷). تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- ایمان، محمدتقی، نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۱). «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۴.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۶). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت برنامه‌ریزی.
- جرالد. ام مایر و دادلی سیزر (۱۳۹۱). پیشگامان توسعه، ترجمه علی اصغر هدایتی و علی یاسری، انتشارات سمت، تهران.
- حداد و همکاران (۱۳۸۹). توسعه در مکاتب مختلف، مرکز اندیشه و پژوهش طرح هزاره (کارگروه توسعه و منابع ملی).
- خاندوزی، سید احسان (۱۳۸۹). «ارزیابی شیوه برنامه‌نویسی توسعه در ایران (۸۸-۱۳۶۸)»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۱۵، شماره ۱، ص ۹۹-۱۲۸.
- رضانی، یحیی، امینی، علی و عظیمی، عماد (۱۳۹۸). «آینده پژوهی در ایران، هنر امروز نیاز فردا»، مجموعه مطالعات هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران (در حال انتشار)، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۷ - ۱۳۶۸). «نظام‌نامه‌های تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه، امور اقتصاد کلان».
- سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۳، مجموعه مستندات برنامه‌ریزی توسعه در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران، امور اقتصاد کلان.
- ساعی، احمد (۱۳۸۸). توسعه در مکاتب متعارض، تهران، نشر قومس، چاپ سوم.

شاکری، عباس (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران، انتشارات رافع، چاپ اول، تهران.

شیرزادی، رضا و سخایی، الهام (۱۳۹۰). «جهانی شدن و برنامه‌ریزی توسعه در ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی در ایران، سال سوم، شماره ۱۲.

فقیه نصیری، مرجان و همکاران. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی توسعه؛ مبانی و مفاهیم، مطالعه تطبیقی تجربه کشورهای منتخب و ایران، موسسه مطالعات و پژوهش راهبردی، تهران.

کومار، آمارتیا سن (۱۴۰۰). توسعه یعنی آزادی، ترجمه محمد سعید نوری نائینی، نشر نی، تهران.

مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری (۱۳۹۷). مطالعات هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران، انتشار الکترونیکی در آدرس: www.dfrc.ir

نصیری، محمد (۱۳۷۴). «اصول علمی برنامه‌ریزی»، فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، دوره ۹، شماره ۱، ص ۲۹-۳۹.

هارت ویک، الین و پیت، ریچارد (۱۳۸۹). نظریه‌های توسعه، ترجمه ازکیا، سید مصطفی، صفری شالی، رضا و رحمانپور، اسماعیل، نشر لویه، چاپ دوم.

یوهانسن، لیف (۱۳۶۷). گفتارهایی درباره برنامه‌ریزی اقتصادی در سطح کلان. انتشارات وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی، چاپ اول، ۱۳۶۷، تهران.

